

## ناژوان دژبان اصفهان

تاریخ جذاب، نخبگی‌ها، ایتارگری‌ها  
و ظرفیت‌های بی نظیر ناژوان  
در «هم‌محلّه» چهل و دوم

قصه روزگار سپری شده ناژوان ۲

شهید حسین فوجانی زاده به روایت مادر

شهیدان مهدی و عزیزالله دهقانی به روایت خواهر ۶ و ۴

گفت‌وگو با نخبگان ناژوانی: فخرالسادات میرمحمدصادقی مفسر نهج البلاغه

غزاله فخاری زاده بانوی ورزشکار دارنده مدال‌های جهانی، امیر الهی دوست و حسن مولانی

کارآفرین و علی دهقانی ناژوانی هنرمند موسیقی ۱۲ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۶

گفت‌وگو با محسن دهقانی، فرمانده پایگاه بسیج مسجد اعظم ۷



زینب دبیری

# روزگار سپری شده محله ناژوان

آسیاب، تنور داغ خانگی و نان های محلی

اهالی اصفهان محله ناژوان را با باغ پرندگان و مادی های فراوان می شناسند. این بار به این محله رفتم تا از نزدیک شاهد تاریخ و گذشته ناژوان باشم. نزدیکی های غروب وارد محله ناژوان می شوم، نزدیک مادی فرشادی مغازه های با انواع و اقسام وسایل از برقی گرفته تا لبنیات و حبوبات و غیره توجه ام را جلب می کند. صاحب آن فردی به نام اسدالله دهقانی است که به گفته خودش از زمانی که متولد شده در این محله ساکن بوده و حالا ۶۹ سال از آن زمان می گذرد.

## محله ناژوان و کوچه هایی که خاکی بود

از او در رابطه با گذشته محله می پرسم، می گوید: «ناژوان یکی از محله های قدیمی اصفهان است. آن زمان تمام محله خاکی بود و خیری از انویان و خیابان کشی نبود. تمام کوچه ها و خیابان ها باریک بود؛ آن قدر باریک که یک موتور سه چرخ نمی توانست از داخل کوچه ها عبور کند.»

## محله ای با ۴۸ خانه

به کوچه های اطراف اشاره می کند و ادامه می دهد: «یادم هست آن زمان از ابتدای محله تا انتهای آن ۴۸ خانه قرار داشت که در هر خانه حدود چهار تا پنج خانواده باهم زندگی می کردند.» آقای دهقانی از زمین های حاصلخیز و باغ های آن زمان تعریف می کند و می افزاید: «آن روزها شغل بیشتر مردم کشاورزی بود؛ عده ای هم در کارخانه ریسندگی و بافندگی کار می کردند؛ تعدادی نیز در شهربانی، ژاندارمری، فرمانداری و شهرداری بودند.»

## سال ۴۰ و ورود برق به محله ناژوان

او به سال ۱۳۴۰ و برق کشی محله اشاره می کند و می گوید: «آن روزها برق نبود و اهالی محل برای روشنایی و خوراک پزی از چراغ های نفتی استفاده می کردند. بعدها با یاری خیران برق هم وارد محله شد.» سپس به زمین های خشک اطراف مغازه اشاره می کند و ادامه می دهد: «در حال حاضر تمام زمین های کشاورزی به علت خشک سالی از بین رفته و باید بگویم ۹۵ درصد خانه های این محله روی زمین های کشاورزی و باغ های قدیمی قرار گرفته است.»

## نان هایی که در داخل تنور خانه ها پخته می شد

دهقانی به خانه های آن دوران و روحی که در آن ها جریان داشت اشاره می کند و می گوید: «آن



مسجد دیگری به نام اعظم ساختند.» او درباره قلعه قدیمی محله بیان می کند: «در گذشته محله ما مکانی داشت که به آن دمه می گفتند و من با بچه های محل آنجا بازی می کردم. در حال حاضر این مکان نزدیک مسجد حضرت ابوالفضل (ع) و حمام قدیمی محله قرار دارد. حدود ۷۰ سال پیش در نزدیکی پارک فرشتگان کنونی یک در چوبی قرار داشت که به غریبه ها اجازه ورود به محله را نمی دادند و شب ها برای امنیت بیشتر بسته می شد.» دهقانی به مادی های بسیار پرآبی که در محله جریان داشت، اشاره می کند و ادامه می دهد: «حاجی، فدن، فرشادی و تیران، مادی های بزرگی بودند که همگی از زاینده رود آب می گرفتند. مغازه بنده در نزدیکی مادی فرشادی قرار دارد که سرچشمه آن از منارچنابان بود و تا خوراسگان ادامه داشت.» او می گوید: «البته مادی فدن، حاجی و تیران هم بودند که حدود دو متر آب در آن ها جریان داشت. یادم هست زمستان ها آب این مادی ها به قدری یخ می زد که با بیل و کلنگ هم به سختی می شد آن را شکست. من زمستان ها مسئول شکستن یخ بودم تا مادرم بتواند ظرف یا لباس ها را بشوید.» حاج رضا نصرافهانی، یکی دیگر از اهالی محله ناژوان است که سالیان سال همراه خانواده در اینجا زندگی می کند. از او درباره وسعت ناژوان

در نزدیکی آن قرار دارد، اشاره می کند و ادامه می دهد: «این حمام در ابتدا خزینه ای بود و صبح ها تا عصر برای خانم ها و از ساعت شش بعد از ظهر به بعد ویژه آقایان بود.» از دهقانی درباره چگونگی تأمین آب حمام می پرسم؛ می گوید: «برای تهیه آب حمام هم یک منبع بالای حمام قرار داشت که حدود ۱۰ هزار لیتر، شاید هم بیشتر آب می گرفت و از چاه پر می شد. برای گرم کردن آب هم چون نفت و گاز در دسترس نبود، مقدار زیادی چوب جمع کرده و با آتش زدن آن ها آب حمام را گرم می کردند.» او ادامه می دهد: «این حمام خزینه ای بود. هر نفر از خانه خود یک کاسه و صابون می آورد و از خزینه آب می گرفت و حمام می کرد. شب به شب رسم بر این بود که تمام آب آن را تعویض می کردند و در ابتدا افرادی که وضع مالی خوبی داشتند یا بزرگ ترها می توانستند از آن استفاده کنند.»

## مسجد حضرت ابوالفضل (ع): قدیمی ترین مسجد محله

دهقانی درباره مسجد حضرت ابوالفضل (ع) می گوید: «قدیمی ترین مسجد محله، مسجد حضرت ابوالفضل (ع) است؛ حدود ۴۰ سال پیش هم خیری زمینی را اهدا کرد که در بخشی از آن،

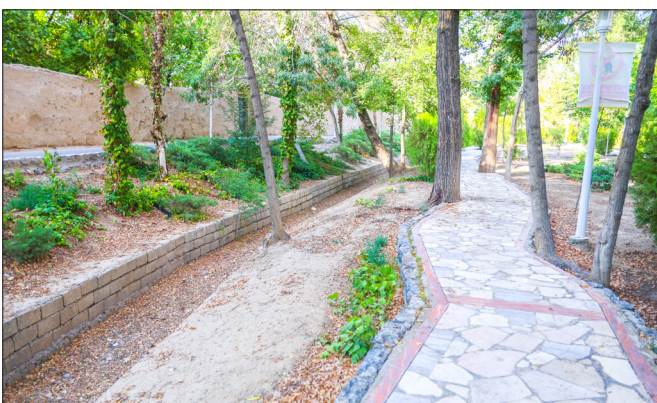
زمان خانه ها خشت و گلی بود یا تیرچوبی داشت. تمام خانه ها مطبخ و تنور داشتند. برای تهیه نان، گندم حاصل از زمین را به آسیاب محله می بردند و آرد تهیه می کردند و بعد در تنور، نان می پختند.»

## سال ۴۶ و تبدیل قبرستان به مدرسه

از او درباره قبرستان قدیمی محله می پرسم؛ می گوید: «آن زمان ها خیلی از اهالی اموات خود را در همین قبرستان محل به خاک می سپردند. بعدها در ۱۳۴۶ قبرستان به مدرسه تبدیل شد. یادم هست آن زمان که مدرسه ساخته شد ۹ سال داشتم. سال اول ابتدایی را در مسجد به کمک آقای که از طرف سپاه دانش آمده بود، گذرانده بودم. بعدها با ساخت مدرسه دوباره مجبور شدم وارد کلاس اول شوم.» از دهقانی درباره محاسن محله ناژوان می پرسم؛ اظهار می کند: «آن زمان خانواده ها باهم صمیمی بودند و رفت و آمد داشتند. اگر جشن عروسی داشتند، تمام این ۴۸ خانواده دعوت می شدند؛ البته تعداد زیادی از اهالی با یکدیگر نسبت فامیلی داشتند و نام خانوادگی بیشتر آن ها شیرانی یا دهقانی بود.»

## داستان حمام قدیمی محله ناژوان

او به مسجد حضرت ابوالفضل (ع) و حمامی که



می‌کند و ادامه می‌دهد: «آن زمان تمام خانه‌ها تنور داشتند. تعداد زیادی از اهالی محل از گندم حاصل از زمین‌های خود آرد تهیه می‌کردند؛ بعد خانم‌ها سه یا چهار نفر دور هم جمع می‌شدند و به خانه یک نفر می‌رفتند و به یکدیگر در پخت نان کمک می‌کردند.»

#### نان‌های خوش مزه اهالی نازوان

او از نان‌های خوش مزه آن دوران می‌گوید: «نان‌ها هم چند مدل بود: یکی، نان قپه‌ای بود که کلفت‌تر از بقیه نان‌ها بود و زودتر مصرف می‌شد؛ دومی هم، نان‌های تازه بودند که دسته کرده و در سفره استفاده می‌کردند؛ سومی نیز نان دونمه نام داشت که در گنجه‌های قدیمی قرار می‌دادند و زمانی که نان‌ها تمام می‌شد، آن‌ها را آب می‌زدند و استفاده می‌کردند.»

#### جوی‌های آبی که از مرکز محله عبور می‌کرد

از ناصرافهانی درباره وضعیت لوله‌کشی آب در محله می‌پرسیم؛ می‌گوید: «آن روزها آب لوله‌کشی در محله نبود. تعداد زیادی جوی در اینجا قرار داشت که از مرکز محله عبور می‌کرد؛ زن‌های محل هم هر روز لب جوی می‌آمدند و لباس و ظرف‌های خود را می‌شستند؛ عده‌ای از اهالی محل نیز عادت داشتند قبل از طلوع آفتاب آب خوردن خود را از همین مادی‌ها برداشت کنند و خیلی به ندرت از چاه استفاده می‌کردند.»

او از تلاش خان محله برای لوله‌کشی آب در محله تعریف می‌کند و می‌افزاید: «محله نازوان نسبت به محله‌های اطراف، پایین‌تر بود؛ برای همین تعدادی جدول درست کرده و در نهایت روی آن‌ها خاک‌ریزی کردند و لب کوچه را بالاتر آوردند تا بتوانند لوله‌کشی کنند و از این طریق آب و فاضلاب وارد محله شود.»

از ناصرافهانی در رابطه با آثار تاریخی محله می‌پرسیم. به آسیاب نازوان اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «در حال حاضر این آسیاب در داخل ساختمانی قرار دارد و در آن هم بسته است، زمانی قرار بر این شد که آن را بازسازی کنند؛ حتی برای این کار گویا وام هم گرفتند؛ اما نمی‌دانم چه شد که بعد از مدتی رها شد.»

«قبرستان بزرگی در محله بود و یک غسلخانه هم در نزدیکی آن قرار داشت. این قبرستان مابین مادی فدن و مادی تیران بود و ادامه می‌یافت تا پارک فرشتگان؛ در همین نزدیکی‌ها هم یک آسیاب قرار داشت که در حال حاضر ورزشگاه شده است. در زمین بایری که اطراف آسیاب بود، پارک ساختند و بعدها در آن منطقه مدرسه ساخته شد؛ در نزدیکی آن هم یک استخر و یک ورزشگاه دیگر احداث کردند.»

ناصرافهانی از شیرانی‌ها و دهقانی‌های ساکن نازوان می‌گوید: «قدیم‌ها رسم بر این بود که بر اساس شغل افراد برای آن‌ها فامیل انتخاب می‌کردند. دهقان‌های نازوان همگی کشاورز بودند و روی زمین‌ها کار می‌کردند؛ شیرانی‌ها هم زمین‌دار بودند. بعدها با گسترش محله، تعداد فامیل‌های آن نیز اضافه شد؛ مثل کیانی یا خود بنده که ناصرافهانی هستم و اکنون ۵۰ سال است در این محله سکونت دارم.» از او درباره قدیمی‌ترین مسجد محله می‌پرسیم؛ می‌گوید: «مسجد حضرت ابوالفضل (ع) قدیمی‌ترین مسجد محله نازوان است که در نزدیکی خانه کیانی‌ها قرار دارد. یک محوطه بزرگ همراه با حوض آب قرار داشت و در کنار آن هم یک سقاخانه بود. مسجد به صورت تیرچوبی بود که خراب شده و از بین رفته بود. بعدها آقای حسن فقیهی که رئیس شورای این محله بود، این مسجد را بازسازی کرد. از آن زمان حدود ۲۵ سال می‌گذرد.» ناصرافهانی به حمام قدیمی محله اشاره می‌کند و می‌گوید: «این حمام روبه‌روی مسجد حضرت ابوالفضل (ع) قرار داشت. زمانی که می‌خواستند آب حمام را عوض کنند، گنداب آن به نزدیکی حوضی که در حال حاضر در مسجد ساخته شده است، می‌رسید. بعدها فردی به نام حسین آقای شفیع این حمام قدیمی را که به صورت خزینه‌ای بود، خراب کرد و حمام جدیدی ساخت.»

او ادامه می‌دهد: «سال‌ها بعد از بازسازی، فعالیت حمام ادامه یافت؛ اما بعد از مدتی این حمام به خیریه تبدیل شد؛ اما دوام پیدا نکرد. بعد از مدتی خیریه به داخل مسجد انتقال یافت و حمام هم برای همیشه بسته شد.»

ناصرافهانی از صفا و صمیمیت آن روزها تعریف

خانم دهقانی می‌خرد و از آنجا یک کوچه می‌زند تا به بهداری محل برسد. ناصرافهانی از ورود کنتور برق توسط همین خان محله یاد می‌کند و می‌گوید: «آن زمان محله نازوان برق نداشت. آقای شیرانی برای آبادی بیشتر محله نازوان حدود ۱۰ کنتور برق می‌خرد و با این کار برق را وارد محله می‌کند.»

#### دژیانی که نازوان شد

او در رابطه با دلیل نام‌گذاری نازوان اظهار می‌کند: «دو نقل قول در خصوص وجه تسمیه نازوان وجود دارد: اهالی محل معتقدند آن زمان که مادی‌های زیادی در محله وجود داشت و همگی از رودخانه زاینده‌رود منشعب می‌شدند، فردی مسئولیت نگهداری از آب این مادی‌ها را برعهده داشت تا تمام آن‌ها به اندازه سهمشان آب از رودخانه ببرند. به او میرآب می‌گفتند. بعدها نام محله نازوان از همین میرآب که بر پایه همان دژیان بود، گرفته شد.» ناصرافهانی درباره نقل قول دومی، می‌گوید: «عده‌ای تعریف می‌کنند که در نزدیکی آسیاب محله که توسط مادی حاجی کار می‌کرد، باغی قرار داشت و ساختمان عریضی در نزدیکی آن بود که می‌گفتند در زمان جنگ رضاشاه، عده‌ای در آنجا نگهداری می‌دادند و بر این اساس و به یاد دژیان‌ها اینجا نازوان نام گرفت.»

او از مادی‌های فراوان محله و آبی که در محله جاری بود، تعریف می‌کند و می‌افزاید: «تمام مادی‌ها تا زمانی که رودخانه جاری بود، آب داشتند. حالا تمام آن‌ها خشک شده‌اند؛ البته هر زمان رودخانه را باز می‌کنند، این مادی‌ها هم پرآب می‌شوند. درختان بسیار کهن‌سالی در آن قرار دارد که بسیاری از آن‌ها به علت نبود آب در این مادی‌ها در حال نابودی هستند.» ناصرافهانی در خصوص شکل و شمایل کوچه‌ها در گذشته، می‌گوید: «تمام محله خاکی بود؛ حتی کوچه اصلی آن هم خاکی بود؛ یک کوچه نیز به صورت هشتی بود. وارد هشتی که می‌شدی، یک کوچه یک متری بود که حدود شش تا هفت خانه در آنجا قرار داشت. اغلب عصرها زن‌ها می‌آمدند و با هم صحبت می‌کردند.»

از او درباره قبرستان نازوان می‌پرسیم؛ می‌گوید:

می‌پرسیم؛ می‌گوید: «محله نازوان از پل مارنان شروع می‌شود و به سمت محله قلعه‌آقا و رودخانه زاینده‌رود ادامه می‌یابد و پشت آن به خیابان میرزا طاهر کنونی می‌رسد.»

#### باغی برای قالی بافی

او به باغ بسیار بزرگ محله اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «این باغ متعلق به یکی از سرمایه‌داران بازار بود. در داخل آن تعدادی اتاق قرار داشت که در آنجا زن‌های محله قالی بافی می‌کردند. این سرمایه‌دار قالی می‌زد، نقشه فرش را به بافنده می‌داد و خانم‌ها قالی می‌بافتند؛ هنوز هم آثاری از آن عمارت در داخل همین باغ وجود دارد.»

#### باغ علی خاکی و تغییر کاربری آن

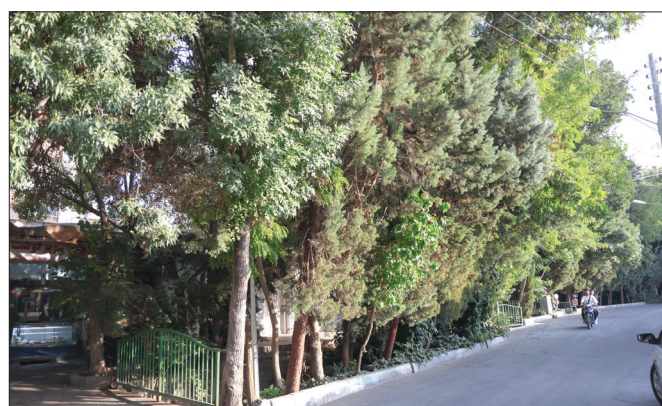
ناصرافهانی به باغ بزرگ دیگری که متعلق به علی خاکی بود، اشاره می‌کند و می‌گوید: «آقای خاکی از اهالی اینجا بود؛ اما در آبادان زندگی می‌کرد. بعدها این باغ را خریداری کردند؛ پلاک بندی شد و اکنون به بهارا و بهار ۲ معروف است.»

#### شیرانی‌ها؛ صاحبان اصلی زمین‌های نازوان

او از خانواده شیرانی‌ها که صاحبان اصلی محله نازوان هستند، نام می‌برد و ادامه می‌دهد: «شخصی به نام حاج میراسماعیل شیرانی، خان اینجا بود و زمین‌های زیادی داشت و یکی از خیران بزرگ این محله بود؛ البته فرزند نداشت.» از ناصرافهانی درباره تاریخچه مسجد اعظم می‌پرسیم؛ می‌گوید: «در آن زمان مسجدی پشت خانه آقای شیرانی قرار داشت که طاق آن آب می‌داد. او به یکی از آشنایان خود می‌گوید که مقداری از زمین‌های یکی از باغ‌ها را بفروشد و خرج مسجد کند؛ این آقا هم زمین باغ مذکور را پلاک بندی می‌کند و می‌فروشد و بخشی از آن را به مسجد اعظم اختصاص می‌دهد.»

#### خان محله و ساخت بهداری

او به بهداری محله اشاره می‌کند و می‌افزاید: «این بهداری هم بخشی از خانه خان بود و چون راهی برای ورود به آن نبود، مقداری زمین را از





منیره فهامی

# تا بهشت با هم می رویم

شهید حسین فورجانی زاده به روایت مادر



در دل این روایت مادرانه، عذرا حاجیان از پسرش سخن می گوید، پسری که جان و جوانی اش را در مسیر عشق و ایمان نثار کرد؛ حسین فورجانی زاده، فرزندی که از روزهای پیرالتهاپ انقلاب با دستان نوجوانش بر دیوارهای شهر، تصویر امام و شعار مرگ بر شاه را می نشانند و با شجاعتی کودکانه اما قلبی به وسعت آسمان، قدم در راهی می گذارد که پایانش شهادت است. او جوانی بود با روحی لبریز از ذوق و خلاقیت؛ هنرمندی که از چوب، برج ایفل می ساخت، بر شیشه نقش می زد و در کنار همه این ها، قلبش برای جبهه و دفاع از وطن می تپید. حسین آن قدر عاشق این راه بود که با اعتصاب غذا رضایت مادر را گرفت تا به میدان برود، مادری که می دانست سرانجام این سفر بازگشتی ندارد و دلش را به خدا سپرد. سرانجام، پس از سال ها حضور در جبهه و عملیات های بزرگ، در کربلای ۴، در میانه ارونردود، در کنار هم زمانش بال در بال فرشتگان گشود و آسمانی شد. روایت زندگی حسین، قصه جوانی است که ایمان، هنر، عشق به خانواده و وطن را در وجودش درآمیخت و با شهادتش جاودانه شد.

## با قوطی حلبی، شابلون عکس امام را ساخته بود

حسین ۲۰ اردیبهشت سال ۴۴ به دنیا آمد. قبل از انقلاب با خودم و دو تا دخترهایم می رفتیم تظاهرات و تا ساعت دوسه بامداد توی خیابان ها بودیم. قوطی های حلبی را بریده و با آن ها شابلون عکس امام خمینی (ره) و نوشته مرگ بر شاه را درست کرده بود. مرتب برای اسپری قرمز و مشکی از من پول می گرفت و شب ها می رفت عکس امام و مرگ بر شاه را بر دیوارهای کوچه نقش می زد.

## دست برد توی شناسنامه اش تا او را به جبهه ببرند

بچه خیلی آرامی بود. راهنمایی اش را خیابان مسجد لنین خواند و دبیرستان را اندیشه. خیلی خوب نقاشی می کشید. بعد از انقلاب تصویر امام را کشید. دوم هنرستان در رشته چوب درس می خواند که دست برد توی شناسنامه اش و رفت جبهه.

## نقاشی های روی شیشه اش هنوز روی دیوار خانه است

به فوتبال علاقه داشت. ده دوازده ساله بود که دستگای درست کرد. آن را می برد روی پشت بام و می گفت: رادیو را روشن کن تا صدای من را بشنوی. وقتی می رفت هنرستان، یک برج ایفل با چوب درست کرد که تویش چراغ گذاشته بود. خیلی زیبا شده بود. یکی از استاد های هنرستانش آن را خرید. یک چهارپایه برای پدرش درست کرده بود که پدرش در مغازه روی آن بنشیند. خیلی خلاق بود. خودش یک فوتبال دستی درست کرده بود. ویترا؛ نقاشی روی شیشه هم می کشید. دو تا از تابلوهایش هنوز روی دیوار خانه به یادگار از او قرار دارد. کلاس نقاشی نرفته، ولی خودجوش نقاشی را یاد گرفته بود.

سال خدا یک پسر به من داد. پسر دوم یک سال ونیمش بود که حسین شهید شد. خدا او را به من داد و حسین را از من پس گرفت.

## در عملیات والفجرا مجروح شد

بهمن ۶۰ رفت دوره آموزشی. دو ماه پادگان غدیر آموزش دید و ۱۲ فروردین ۶۱ به کردستان اعزام شد. سه ماه و ده روز کردستان بود. تماس گرفت. به او خبر شهادت پسرعمویش اکبر (امیر) فورجانی را دادم. برای شب هفته خودش را رساند گلستان شهید. ماه رمضان بود. وقتی رفتیم گلستان شهید دیدم خودش را انداخته روی قبر پسرعمویش. چند روز ماند و رفت جبهه جنوب برای عملیات رمضان. یکی از اقوامان، رسول حاجیان شهید شده بود. خبر او را که داد، خبر شهادت پسرعمه اش مصطفی نورجانی را به او دادم. برای مراسم او آمد و دوباره رفت. عملیات محرم، خیبر، والفجر مقدماتی و والفجرا شرکت کرد. در عملیات والفجرا مجروح شد. ترکش از رانش رد شده بود. حدود ۴۰ روز برای درمان اینجا بود و دوباره برگشت. چند باری، چند روز برای مرخصی می آمد و برمی گشت؛ تا اینکه رفت و برگشت.

## تا بهشت با هم می رویم

خیلی بچه شوخ و مهربانی بود. در جبهه سربه سر هم زمانش می گذاشت. دفعه آخر چون منشی گردان بود، نمی خواستند او را با خودش به



عملیات ببرند. یک ماهی گریه می کرده و اصرار داشته او هم در عملیات باشد. یک نفر را هم کمک گرفته بوده و کارهای منشی گردانی را به او یاد می داده تا بعد از خودش بتواند کارها را انجام دهد. وقتی فرمانده می بیند او بی تابی می کند و غصه می خورد، به او می گوید: «فورجانی غصه نخور. برای عملیات دنبال خودم می برمت. تا بهشت با هم می رویم.» وقتی می خواهند سوار قایق شوند، حسین اولین نفر سوار می شود تا حتما جایش بشود و جانماند.

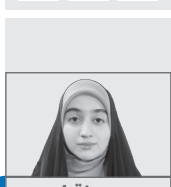
## در عملیات کربلای ۴ شهید شد

در ۴ دی ۶۵ به شهادت رسید؛ عملیات کربلای ۴، وسط ارونردود، ام الرصاص. وقتی شهید شد، منشی گردان امام حسین (ع) بود و حاج علی باقری فرمانده گردان. با هم در قایق بودند که شهید می شوند. از ۱۱ نفرشان فقط سه نفر زنده می ماندند. حسین لادانی آخرین نفری بوده است که از حسین جدا می شود. قفیه حسین را بالای رانش می بندد تا از شدت خونریزی حسین جلوگیری کند و از قایق بیرون می پرد. کمال یخچالی نفر دوم بود که چهار ماه بعد از حسین در عملیات کربلای ۴ به شهادت می رسد؛ حاج احمد فدا هم نفر سوم بود. آن سه نفر با اینکه خودشان مجروحیت داشتند، وقتی می بینند بقیه شهید شده اند، دل به آب می زنند و نجات پیدا می کنند. بعد از پیاده شدن آن ها باز بعضی ها قایق را می زنند و قایق آتش می گیرد.

## دو وصیت نامه داشت؛ یکی، خانوادگی

### و یکی، عمومی

حسین در منطقه، یک اتاق داشت. وقتی برای عملیات می رود، در اتاق را قفل می کند. ساک وسایلش در اتاقش مانده بود. بعد از پیگیری توانستیم ساکش را تحویل بگیریم. دلم می خواست بدانم چه وصیتی برایم نوشته است. دو وصیت نامه نوشته بود؛ یکی، خانوادگی و یکی، عمومی. وصیت نامه عمومی اش را تکثیر کردیم و هنوز چندتایی از آن را داریم.



مریم نقیان

# حیات طیبه از منظر نهج البلاغه

گفت و گو با فخرالسادات میرمحمدصادقی، بانوی مفسر نهج البلاغه



فخرالسادات میرمحمدصادقی، پژوهشگر و مدرس نهج البلاغه در محله نازوان اصفهان، از انگیزه خود، ورود به عرصه معارف دینی، تجربه مادری و تأثیر آن بر پژوهش‌هایش و ضرورت آشنایی نسل جوان با کتاب امیرالمؤمنین (ع) می‌گوید. در میانه‌ای از زندگی، زمانی که بسیاری به فکر آرامش پس از سال‌ها کار هستند، او عطش یادگیری را در خود زنده دید و قدم در مسیر شناخت و ترویج معارف ناب اسلامی گذاشت.

فخرالسادات میرمحمدصادقی، پژوهشگر و مدرس نهج البلاغه، در گفت‌وگویی صمیمی از مسیر پربار و خرم تحقیق و تألیف خود و دغدغه‌هایش برای نسل جوان گفت.

## از اتاق عمل تا نهج البلاغه تغییرمسیری سرنوشت‌ساز

میرمحمدصادقی با اشاره به آرزوی جوانی خود برای پزشکی می‌گوید: «همیشه دوست داشتم جراح بشوم یا در اتاق عمل و محیط بیمارستان کار کنم؛ اما پس از ازدواج و به دنیا آمدن فرزندانم، احساس کردم نقش من به عنوان یک مادر، ایجاب می‌کند در زمینه‌ای فعالیت کنم که هم‌زمان هم برای خودم مفید باشد و هم بتوانم پاسخ‌گوی نیازهای فکری و معنوی فرزندانم باشم.» این انگیزه، او را به سمت علوم انسانی و معارف دینی سوق داد. او ادامه می‌دهد: «دیدم اگر بخواهم در رشته تجربی ادامه بدهم، ممکن است در شغل خود موفق باشم، اما بچه‌ها به کسی نیاز دارند که در کنارشان باشد و با زبان روز با آن‌ها صحبت کند؛ معارف اسلامی می‌تواند همین نقش را ایفا کند.»

## تلاش برای یک پایان‌نامه ماندگار

او فعالیت آکادمیک خود را در رشته معارف قرآن و عترت آغاز کرد و پس از اخذ مدرک لیسانس، در مقطع فوق‌لیسانس نیز پذیرفته شد. پایان‌نامه او نقطه عطفی در این مسیر بود. میرمحمدصادقی توضیح می‌دهد: «از همان ترم اول، هدفم این بود که پایان‌نامه‌ام به یک کتاب تبدیل شود. موضوع تحقیق را «حیات طیبه از منظر نهج البلاغه» انتخاب کردم. یک سال تمام روی این پایان‌نامه کار کردم، خودم تایپ کردم و ویرایشش کردم تا در نهایت به کتاب تبدیل شد.»

حاصل این تلاش، کتاب «حیات طیبه و راه رسیدن به آن در نهج البلاغه» است که در ۱۳۹۵ به چاپ رسید و مورد استقبال قرار گرفت؛ حتی در کتابخانه آستان قدس رضوی نیز ثبت و نگهداری می‌شود.

## نهج البلاغه؛ کتابی برای همه اقشار و همه زمان‌ها

این محقق نهج البلاغه با شور و اشتیاق از ظرفیت‌های بی‌نظیر این کتاب برای انسان معاصر می‌گوید: «نهج البلاغه فقط

یک کتاب تاریخی نیست؛ برای همه اقشار جامعه حرف دارد. یک سیاست‌مدار می‌تواند از نامه امام‌علی (ع) به مالک‌اشتر یاد بگیرد، یک روان‌شناس می‌تواند از توصیه‌های ایشان به فرزندان‌شان بهره‌برد و یک پدر و مادر می‌توانند با وصیت‌های امام‌علی (ع) آشنا شوند. کافی است هر کس بر اساس نیاز و علاقه خود، بخشی از آن را بخواند.» او تأکید می‌کند: «اولین قدم، خواندن خود نهج البلاغه است؛ حتی بدون تفسیر؛ چراکه مردم باید مانند قرآن که در ماه رمضان ختم می‌کنند یا روزانه چند آیه می‌خوانند، با نهج البلاغه نیز این‌گونه رفتار کنند. با خواندن مستمر، کم‌کم با تفکر و مکتب امام‌علی (ع) آشنا می‌شویم و این ارتباط عمیق‌تر می‌شود.»

## ترویج معارف با زبان ساده و کاربردی

میرمحمدصادقی که سال‌ها در مساجد و پایگاه‌های مقاومت به تدریس نهج البلاغه اشتغال داشته، معتقد است برای جذب نسل جوان، باید هوشمندانه عمل کرد.

او بیان می‌کند: «نباید دین را به‌گونه‌ای معرفی کنیم که برای نوجوان و جوان، به معنای محرومیت از زندگی و تفریح باشد. امام‌علی (ع) توصیه می‌کنند که وقت خود را تقسیم کنید؛ بخشی برای عبادت، بخشی برای کار و بخشی برای تفریح سالم. ما می‌توانیم مسجد را با برنامه‌های شاد و جذاب برای جوانان همراه کنیم.»

او این روش را در تربیت دو دختر خود نیز به‌کار بسته است و نتیجه آن را موفقیت‌آمیز می‌داند: «با صحبت و گفت‌وگو و ایجاد فضای صمیمی، توانستم پاسخ‌گوی شبهه‌های فکری آن‌ها باشم. امروز هر دو دخترم با اختیار و علاقه شخصی، چادری هستند.»

## حرف آخر: توصیه به نسل جوان

این بانوی پژوهشگر در پایان، مطالعه نهج البلاغه با ترجمه‌های روان مانند ترجمه «محمد دشتی» یا «سید جعفر شهیدی» را به جوانان توصیه می‌کند و ادامه می‌دهد: «امیدوارم کتابم گامی هرچند کوچک در مسیر شناخت بیشتر این

گنجینه بی‌نظیر باشد.» گفت‌وگو با فخرالسادات میرمحمدصادقی، بیش از هر چیز یادآور این نکته بود که معارف ناب دینی، همچون نهج البلاغه، گنجینه‌هایی زنده و کاربردی برای زیستن در دنیای امروز هستند. او که مسیر زندگی خود را برای خدمت به این معارف تغییر داد، الگویی عینی از یک مادر آگاه و پژوهشگری دغدغه‌مند را به تصویر کشید که رسالت خود را در ایجاد پل میان کلام گهربار امام‌علی (ع) و نسل جوان می‌داند. او معتقد است: نیازی نیست برای بهره‌بردن از دریای بیکران نهج البلاغه، حتماً یک محقق یا عالم دینی باشیم؛ کافی است با عزمی جزم و روزانه مطالعه چند صفحه، با ترجمه‌ای روان، با این کتاب همدم شویم. این همان نقطه آغازینی است که می‌تواند «حیات طیبه» و راه رسیدن به آن در نهج البلاغه را در زندگی تک‌تک ما طنین‌انداز کند؛ حیاتی که امام‌علی (ع) نه تنها برای عالمان و سیاست‌مداران که برای هر انسانی در هر جایگاه و با هر دغدغه‌ای ترسیم کرده‌اند.



میره فهامی

# دری نیمه باز و مادری در انتظار

شهیدان مهدی و عزیزالله دهقانی به روایت خواهر

چهار پسر خانواده دهقانی نازوانی، هم‌زمان در جبهه حضور داشتند. مادری که هر لحظه انتظار پسرانش را می‌کشید و بالاخره دو پسر این خانواده اکبر و رضا جانبا شدند و دو پسر دیگر، عزیزالله و مهدی در عملیات محرم مفقودالتر. اما مادر، همیشه چشم‌انتظار بود و به دخترش می‌گفت: «مادر، پرده جلوی در خانه را بالا بزن و در را نیمه باز بگذار که اگر عزیزالله از راه رسید، در باز باشد و من ببینمش». بعد از ۱۴ سال چشم‌انتظاری پیکر مهدی برگشت؛ ولی مادر تا لحظه مرگ، چشم‌انتظار عزیزالله ماند. و حالا شونده خاطره‌های این بزرگ‌مردان از زبان خواهرشان، خانم زهره دهقانی نازوانی می‌شویم.

## چهار برادرم با هم جبهه بودند

و مادرم هر لحظه منتظر یکی از آن‌ها بود

شش پسر و یک دختر بودیم. پدرمان در نازوان کشاورزی داشت و اهل روزی حلال بود. خانواده‌ای خوب و مذهبی داشتیم. در دوران جنگ چهار برادرم با هم جبهه بودند و مادرم هر لحظه منتظر یکی از آن‌ها بود.

برادر سومم اکبر، زمان آزادسازی فاو مجروح شد. ۴۰ روز مفقود بود و خبری از او نداشتیم. روز دوم اسفند ۶۴ از راه رسید. یکی از یاهایش آسیب‌دیده و این مدت در بیمارستان بستری شده بود. با پای گچ‌گرفته آمد. رضا، برادر پنجمم هم در حمله خرمشهر مجروح شد. ترکش به سرش خورده بود.

## باید از این راه به کربلا برسم

عزیزالله، برادر چهارمم بود و متولد سال ۳۸. عزیزالله تارهنمایی بیشتر نخواند و رفت سرکار؛ ولی در دوران قبل از انقلاب همیشه در تظاهرات شرکت می‌کرد و طرف‌دار مواضع امام بود. او مکانیک ماهری بود که به جبهه رفت.

یک‌بار که از جبهه برگشت، ترکش خورده بود. مادرم به او گفت: «بیازنت بدهم، تو دین خودت را ادا کردی». وقتی مادرم خیلی اصرار کرد، گفت: «این بار می‌روم و برمی‌گردم؛ بعد زن می‌گیرم». رفت و دیگر برنگشت.



## تمرین‌های رزمی و ورزشی می‌کرد

کتاب‌های بروسی را گرفته بود و تمرین رزمی و ورزشی می‌کرد. من از روی بچگی رفتیم ورزش‌هایش را نگاه کردم و توی مدرسه به بچه‌ها مشت زدم. معلممان پرسید: «از کجا یاد گرفتی؟» گفت: «از کتاب برادرم». معلممان خندید و گفت: «دیگه ورزش‌ها را توی مدرسه اجرانکن».

## تا آخر عمرش آن را یادگاری داشت

روز مادر بود. برادرم اکبر اجازه نمی‌داد بیرون بروم و برای مادرم هدیه بگیرم. گریه می‌کردم. عزیزالله رسید و دوباره با همان مهربانی همیشگی اش بغلم کرد و من را به مغازه خرازی محل برد. یک فلاسک به انتخاب خودم و با پول خودش برای مادرم خریدیم و با خوشحالی به مادرم هدیه دادیم. مادرم تا اواخر عمرش آن را نگه داشته بود و از آن استفاده می‌کرد.

## عزیزالله خیلی مهربان بود و مهربانی‌اش را بروز می‌داد

وقتی مادرم می‌خواست از مکه برگردد، من و برادرم مهدی را به مغازه خرازی محل برد و دو تا کادو برای ما خرید که برای مادرم بیاوریم؛ یک اتو و یک قابلمه. من و مهدی با ذوق زیادی آن‌ها را کادو کردیم و وقتی مادرم آمد، به او هدیه کردیم. عزیزالله، خیلی مهربان بود و مهربانی‌اش را بروز می‌داد.

## خدایا، همین که تو می‌بینی، کافی است

بعضی همسایه‌ها و نزدیکان با حرف‌هایشان پدر و مادرم را خیلی اذیت می‌کردند. آن‌ها فکر می‌کردند منافع‌های زیادی برای شهادت برادرهایم به ما رسیده است؛ مثلاً می‌گفتند: «برایتان برنج و گوشت آورده‌اند؟» ولی مادرم هیچ‌وقت جوابشان را نمی‌داد و با صبوری و متانت از کنار حرف‌هایشان می‌گذشت؛ فقط می‌گفت: «خدایا! همین که تو می‌بینی، برای من کافی است.»

می‌شدم، من را بغل می‌کرد و می‌برد برایم چیزی می‌خرد.

برای نبود مادرم خیلی گریه می‌کردم؛ ولی او با قلب مهربانش با من صحبت می‌کرد و هواپیم را داشت. اصلا طاق اشک و گریه من را نداشت.

## هنوز مزه آن موزها زیر زبانم است

وقتی مادرم می‌خواست از حج برگردد، برایش توی کوچ‌خانه طاق نصرت زدیم. با اینکه آن زمان موز خیلی کم بود، ولی عزیزالله رفته بود دو تا صندوق چوبی بزرگ موز خریده بود. بقیه می‌گفتند به این‌ها دست نزنم؛ ولی عزیزالله آمد. خودش در جعبه چوبی موز را باز کرد و دو تا موز به من داد. هنوز مزه آن موزها زیر زبانم است. خیلی جوان دل‌رحمی بود. هر وقت پول می‌خواستم، می‌گفت: «برو سر جیبم بردار». هر مقدار پول می‌خواستم، برمی‌داشتم. هیچ‌وقت نمی‌گفت: «چقدر و برای چه کاری برداشتی؟»

همیشه می‌گفت: «من باید از این راه به کربلا برسم». ۲۳ سالش بود که شهید شد.

## یک ظرف و یک قرآن جیبی تنها یادگاری‌های عزیزالله

۴۰ روز قبل از شهادتش از جبهه برگشت. من تازه عروسی کرده بودم. او برای عروسی‌ام نبود. من شه‌یور عروسی کرده بودم و او اوایل مهر آمد. با شوقی خاص و متانتی که همیشه در چشمانش بود برای من کادو خریده بود و آمد منزلمان. دو تا ظرف برایم هدیه آورده بود. هنوز یکی از آن‌ها را دارم و یک قرآن جیبی کوچک هم که در ساک وسایل جبهه‌اش بود هنوز آن‌ها را به یادش نگه داشته‌ام.

## طاق اشک و گریه من را نداشت

من هشت سالم بود که مادرم برای حج واجب به مکه رفت. عزیزالله خیلی مراقب من بود. به محض اینکه دل‌تنگی می‌کردم و ناراحت



برادران شهید عزیزالله و مهدی دهقانی

اندیشمک تا شاید بتوانند آن‌ها را شناسایی کنند؛ ولی بی‌نتیجه برمی‌گشتند. سه ماه بعد نامه برادرشورم از عراق آمد. اسیر شده بود. هشت سال بعد هم آزاد شد و برگشت. بعد از بازنگری شدید، رودخانه فصلی دویرج پر آب شده بود.

ازطرفی، عراقی‌ها سد را باز کرده بودند و آب بالآمده و جریانش تند شده بود. عده زیادی از بچه‌های لشکر امام حسین(ع) را آب با خود برده بود. زنده ماندن برادرشورم هم معجزه بود. او می‌گفت: «وقتی اقتادم در آب، به قدری سرم به سنگ‌های کف رودخانه خورده بود که فکر نمی‌کردم زنده بمانم. با حال بدی که داشتم، در خاک عراق من را از آب گرفته بودند و زنده ماندم.»

#### خوابی که تعبیر شد

شب قبل از شهادت برادرانم، مادرم خواب دیده بود که مهدی و عزیزالله روی دیوار خانه نشستند و هرچه به آن‌ها می‌گفته بیابید پایین، نمی‌آمدند. آن‌ها دو بال به وسعت خانه مان پیدا کرده و گفته بودند ما دیگر نمی‌توانیم پایین بیاییم. دیگر متعلق به اینجا نیستیم. وقتی مادرم اصرار به ماندنشان می‌کند، بلند می‌شوند، پر می‌کشند و می‌روند.

توی ۱۷ سال که شهید شد.

#### قبل رفتن، سفارشم را به همسرم کرد

شبی که می‌خواست برود جبهه، آمد خانه ما. من تازه عروسی کرده بودم. به شوهرم گفتم: «خواهرم زهرا، خیلی عزیز است برای ما، یک موقع خواست برود خانه‌مان، حتما ببرش. هر کاری خواست برایش انجام بده. خواهرم در خانه ما خیلی عزیزگراتی بوده است.»

#### مهدی و عزیزالله هر دو در عملیات محرم مفقودالایر شدند

مهدی آن زمان ۱۶ سالش بود و عزیزالله ۲۳ سال. با برادرشورم، آقای حسن یزدانی که آزاده‌اند، هر سه با هم رفتند برای عملیات محرم. چند روز قبل از عملیات با خانه همسایه ما تماس گرفتند. هر سه در یک گردان بودند. چند روز بعد خبر دادند که هر سه مفقودالایر شده‌اند. بعد از عملیات عزیزالله با برادرم تماس می‌گیرد و می‌گوید: «من مهدی را در عملیات گم کردم.» می‌رود دنبال برگردد که خودش هم مفقود می‌شود. می‌گفتند چون آربی جی زن بوده احتمالاً او را زده‌اند.

#### هفته‌ای دوبار می‌رفتند اندیشمک تا بتوانند آن‌ها را شناسایی کنند

پدرشورم و برادرهایم هفته‌ای دو بار می‌رفتند

#### ترکش به زانویش خورده بود

سال ۶۱ بود. ظهر وقتی از مدرسه برگشتم، دیدم مهدی از جبهه آمده است. خیلی خوشحال شدم. من را یواشکی صدا زد توی صندوق خانه و گفت: «لباس‌های من را دور از چشم مادر ببر و بشور.» علت را که پرسیدم، گفت: «زانویم ترکش خورده و لباسم خونی شده است. اگر مادر ببیند، غصه می‌خورد.» یک‌تکه از گوشت زانویش کنده شده بود. مادرم فهمید و گفت: «تو که هنوز سن و سالت به جبهه نمی‌خورد. چرا می‌روی؟» گفت: «من حتما باید بروم.»

#### وقتی رفت جبهه، یک مرتبه بزرگ شد

وقتی ۱۰ سالش بود، اگر غذایی دیر می‌شد، خیلی غم می‌زد و تحمل گرسنگی را نداشت؛ ولی وقتی جنگ شد، یک مرتبه بزرگ شد. با وجود اینکه ترکش خورده بود، نترسیده و تحمل کرده بود و دوباره رفت جبهه.

هرچه مادرم دستش را کشید که به جبهه نرود، قبول نکرد. تعداد زیادی نوار از آقای کافی و آقای آهنگران خرید بود. قبل رفتن مادرم به او گفت: «نوارهایت را چه کار کنی؟»

گفت: «نوارهایم را به کسی ندهید؛ برمی‌گردم.» رفت و دیگر برگشت؛ تا ۱۴ سال بعد که از پلاکش و شالی که مادرم روی زانوی ترکش خورده‌اش بسته بود، شناسایی شد و بازگشت. تازه رفته بود

#### هنوز به سن تکلیف نرسیده بودیم

#### که با هم روزه می‌گرفتیم

مهدی، برادر ششم بود و سال ۴۴ به دنیا آمد. من دو سال از او کوچک‌تر بودم و به خاطر اختلاف سنی کمی که داشتیم، دو تا هم بازی و دوست برای هم بودیم. مثل همه بچه‌ها با هم از روی کودکی دعوا هم می‌کردیم و سربه‌سر هم می‌گذاشتیم. هنوز هیچ‌کدامان به سن تکلیف نرسیده بودیم. سحرها بلند می‌شدیم و روزه می‌گرفتیم. روزهایی که با هم خوب بودیم، می‌رفتیم برای افطارمان نقلات و نوشابه می‌خوردیم و منتظر اذان می‌ماندیم تا خوراکی‌هایمان را بخوریم؛ ولی روزهایی هم می‌شد که بحثمان می‌شد و از لج هم نزدیک افطار روزه‌هایمان را می‌خوردیم.

#### وصیت کرده بود، پول دوچرخه‌اش را برای کمک به جبهه بدهند

هم مدرسه می‌رفت و هم در مغازه آهنگری کار می‌کرد. دلش می‌خواست کمک خرج خانواده باشد. با درآمد خودش یک دوچرخه خرید که در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: «اگر دوچرخه را پدرم نیاز دارد، برادر؛ وگرنه بفروشید و پولش را بدهید برای جبهه.» پدرم دوچرخه را یادگاری از مهدی نگه داشت؛ ولی پولش را برای جبهه داد.

## روایت معنویت و زندگی در مسجد

### گفت‌وگو با محسن دهقانی، فرمانده پایگاه بسیج مسجد اعظم محله نازوان



«اینجا هر هفته چیزهای جدیدی یاد می‌گیریم... از قصه‌های قرآنی تا بازی‌های فکری همچون انگیز برای تقویت ذهن، حل معماهای چالش برانگیز و رقابت‌های دوستانه و شرکت در نماز جماعت. انجام بازی‌های فکری و لحظه‌های سرگرم‌کننده با بقیه بچه‌ها در مسجد فرصتی برای تجربه‌های جدید به ما می‌دهد.»

این‌ها صحبت‌های محمدحسین ۱۵ ساله، عضو پایگاه بسیج است که با اشتیاق برای نماز مغرب و عشا وارد مسجد شده است.

اینجا نه فقط عبادتگاه برای اهالی محل، بلکه «کارگاه زندگی» برای نوجوانان شده؛ جایی که زندگی با آموزش، نیکوکاری و تربیت درهم تنیده است. محسن دهقانی، فرمانده پایگاه بسیج مسجد اعظم محله نازوان، در گفت‌وگو با «هم‌محله» با اشاره به اینکه هیئت دانش‌آموزی دانشجویی حضرت صاحب‌الزمان(عج) پایگاه بسیج نازوان در ۱۳۷۷ با مجوز از سازمان تبلیغات اسلامی و با هدف جذب جوانان برای نیل به اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی و با همراهی حجت‌الاسلام ارزانی تأسیس شد، اظهار می‌کند: «جلسه‌های این هیئت به صورت هفتگی و سیار در منازل اعضا برگزار می‌شود.»

او اضافه می‌کند: «این پایگاه بسیج در مسجد اعظم، محوری است برای رشد همه نسل‌ها. فرقی نمی‌کند نوجوان باشی یا بزرگ‌تر؛ اینجا هر روز روایت تازه‌ای رقم می‌خورد.»

فرمانده پایگاه بسیج مسجد اعظم محله نازوان با بیان اینکه در اساس‌نامه اشاره شده بود که خیریه‌ای تأسیس شود، متذکر می‌شود: «به حول و قوه الهی در ۱۳۹۱ مؤسسه فرهنگی و خیریه حضرت صاحب‌الزمان(عج)

می‌سازند که سال‌ها در حافظه محله می‌ماند.» او می‌گوید: «ما وظیفه داریم با برنامه‌ریزی صحیح و بانشاط برای نوجوانان نازوان، آن‌ها به جای پرسه‌زدن در کوچه‌ها به فعالیت‌های سالم بپردازند و کنار هم یاد بگیرند و بازی کنند؛ کانون محله‌ای خادم‌یاران و یاوران رضوی حضرت صاحب‌الزمان(عج) نازوان نیز اینجا با فعالیت خود در این راستا گام برمی‌دارد.»

دهقانی اظهار می‌کند: «مادران در جلسه‌های مشاوره و اردوهای آموزشی، تفریحی و خانوادگی شرکت می‌کنند. در اردوهای جمعی، خانواده‌ها با گپ‌های دوستانه و کودکان با بازی و جنب‌وجوش، قصه‌های تربیتی قرآنی می‌شنوند و مهارت‌های زندگی و دینی می‌آموزند.»

مسئول پایگاه بسیج مسجد اعظم نازوان یکی دیگر از فعالیت‌ها را برگزاری همه مراسم ملی و مذهبی و برنامه‌هایی متناسب با آداب هر مناسبت می‌داند و می‌افزاید: «هر جشن، مدح اهل‌بیت و برنامه باعث می‌شود صمیمیت اهالی محل بیشتر شود. برگزاری کلاس مهدویت همراه با برنامه‌های نمازجماعت، قرائت زیارت امین‌الله و مدیحه‌خوانی از جمله این برنامه‌هاست. قافله عزاداری سالروز شهادت امام‌رضاع(ع) با حضور خادم‌یاران و یاوران کانون‌های خدمت رضوی نیز با شور و شعور برگزار می‌شود. خیریه مسجد اعظم، با تهیه جهیزیه، کمک‌های مؤمنانه و حمایت مالی و دارویی از بیماران نیازمند، خدمت بی‌منت به همه خانواده‌هایی که چشم‌انتظار دست‌های یاریگر هستند، ارائه می‌دهد. این کارهای خیر، فقط بخش کوچکی از فرهنگی است که از مسجد حضرت اعظم در دل مردم ریشه دوانده.»

قرآنی و ورزشی برای گروه‌های سنی مختلف با همکاری فعال خانواده‌ها اجرا می‌شود. جلسه‌های معارف دینی و قرآنی، بازی‌درمانی و قصه‌درمانی در کنار مشاوره‌های خانواده، فضایی ساخته است که بچه‌ها مهارت یاد می‌گیرند و بزرگ‌ترها تجربه‌های تازه کشف می‌کنند، جشن‌های خانوادگی و اردوهای گروهی با حضور همه اعضا، لحظه‌هایی

تحت پوشش هیئت دانش‌آموزی دانشجویی از فرمانداری اجازه فعالیت گرفت و الحمدلله با تشکیل هیئت‌مدیره ۱۳ سال است با اهداف تعظیم شعائر مذهبی، کمک به قشر کم‌درآمد، تهیه جهیزیه و وام دانشجویی با گزینش ۲۵۰ خانوار مشغول خدمت است.»

دهقانی ادامه می‌دهد: «برنامه‌های فرهنگی،



زهره سادات طالقانی







دلارام قندهاری

# حجابم در صحنه های جهانی افتخار آفرید

غزاله فخاری زاده، بانوی ورزشکار محله نازوان، از افتخارهایش می گوید



غزاله فخاری زاده، ساکن محله نازوان، متولد ۱۳۷۳ دانشجوی دکتری رشته حسابداری و مدرس دانشگاه است. او به دلیل علاقه زیاد به رشته های رزمی آزاد، یعنی مبارزه های بدون محدودیت از ۱۳۸۶ ورزش کیوکوشین کاراته را زیر نظر استاد مردانی آغاز کرده و دارنده ۳۵ عنوان طلا و نقره مسابقات استانی و کشوری و سه مقام طلای بین المللی است. این بانوی قهرمان محله نازوان بازیکن دو دوره تیم ملی، بازیکن سه دوره سوپر لیگ سبک های آزاد کاراته، دارنده دان ۴ از فدراسیون کاراته جمهوری اسلامی ایران و دان ۳ جهانی از کشور ژاپن است و مدرک مربیگری و داوری رسمی از فدراسیون ورزشی را دارد.

فخاری زاده در گفت و گو با «هم محله» با بیان اینکه از بدو شروع ورزش، هدفم فقط قهرمانی جهان بود، اظهار کرد: از همان ابتدا تلاش می کردم تمامی تمرین هایم را به جد انجام و ادامه دهم و هیچ زمانی به جز مواقع استثنا در کلاس غیبت نمی کردم و همیشه با برنامه ریزی به درس و تمرین های ورزشی می پرداختم. او خاطرنشان کرد: همیشه دوست داشتم یک ورزشکار باسواد باشم؛ برای همین به تحصیل نیز در کنار ورزش اهمیت زیادی می دادم.

این ورزشکار محله نازوان تصریح کرد: پس از دریافت کمر بند نارنجی وارد مسابقات استانی شدم و در همان سال اول، مقام اول استانی در بخش کمبته را کسب کردم.

فخاری زاده ادامه داد: برای رسیدن به زمین مسابقات جهانی باید بسیار تلاش می کردم. در همین راستا یکی پس از دیگری در مسابقات شرکت کردم تا بتوانم جایگاه اولی را حفظ کنم.

او یادآور شد: سختی ها و دست اندازهای زیادی را گذراندم. آسیب های بسیار ورزشی همچون پارگی رباط را تحمل کردم تا به هدفی که برایش می جنگیدم، برسم.

این بانوی ورزشکار محله نازوان خاطرنشان کرد: برای اولین بار قرار شد به مسابقات کاپ آزاد ژاپن اعزام شوم؛ اما به دلیل عمل آپاندیس از اعزام محروم شدم. سال بعد برای انتخابی ژاپن تلاش کردم تا عنوان کسب کردم؛ اما به دلیل وجود بیماری کرونا اعزام لغو شد. مجدد سال بعد برای انتخابی تلاش کردم که متأسفانه به دلیل مسائل دیگر مجبور به جابه جایی سبک شدم و از سبک سوکیوکوشین به کیوکوشین ناکامورا وارد و دوباره برای عضو شدن در تیم ملی تلاش کردم و موفق به کسب امتیاز و آمادگی برای اعزام به مسابقات کاپ اروپا در کشور لهستان شدم. پس از چندین ماه تمرین و اردوهای سخت و آمادگی کامل چند ساعت نزدیک به پرواز به دلیل صادر نشدن ویزای چند تن از بازیکنان، اعزام تیم لغو شد و به شدت آسیب روحی

به خودم قول سکوی جهانی را داده ام و از هدفم دست بر نمی دارم. این بانوی ورزشکار محله نازوان بیان کرد: تمامی موفقیت هایم را مدیون پدر، مادر و همسر عزیزم هستم که همیشه حمایت کردند و در هیچ کجای مسیر تنهایی نگذاشتند. فخاری زاده گفت: در حال حاضر شروع مسیر جدید مربیگری ورزش را طی و تلاش می کنم شاگردانم به اهدافشان برسند؛ مانند تلاشی که برای قهرمانی خودم کردم.

او تصریح کرد: همیشه توصیه ام به ورزشکاران این است که حتی با هدف تفریح کردن ورزش کنند؛ چراکه ورزش روح و جسم انسان را درگیر و در برابر چالش های زندگی مقاوم می کند.

این بانوی ورزشکار محله نازوان بیان کرد: در این مسیر سخت، الگوهای من فقط شهدا بودند و من هم مانند این عزیزان افتخار آفرینی برای کشورم را ادامه می دهم.

فخاری زاده با بیان اینکه منطقه ۹ شهرداری اصفهان جای پیشرفت زیادی دارد و استعداد های گوناگونی در این منطقه وجود دارد، خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه مربی هم هستم، از شهردار منطقه انتظار دارم سالن تخصصی برای ورزش های رزمی در این منطقه احداث کنند تا عموم بتوانند با هزینه مناسب در این کلاس ها شرکت کنند.

او ادامه داد: شهرداری منطقه ۹ اصفهان باید از ورزشکاران حمایت کند. برخی از ورزش های رزمی کمتر حمایت می شوند؛ از این رو انتظار می رود ارگان های مؤثر و توانمند مانند شهرداری از ورزشکاران این رشته ها حمایت بیشتری کنند.

شدم و این دومین اعزام بود که رقم خورد و توانستم رنکینگ جهانی را کسب کنم. او خاطرنشان کرد: خوشحالم که در صحنه های جهانی به عنوان یک دختر مسلمان با حجاب کامل اسلامی در بین بانوان دیگر کشورها حضور داشتم و حجابم باعث غرور و افتخار در صحنه های جهانی شد. هیچ گاه حجابم، به خصوص چادرم در هیچ جایی محدودیتی برای من ایجاد نکرد و همیشه با افتخار در صحنه های مختلف حضور داشتم و هنوز تلاش هایم ادامه دارد؛ چون

به همه بازیکنان و من وارد شد. فخاری زاده ادامه داد: دوباره برای مسابقات جهانی همان سال در کشور ژاپن تمرین ها را شروع کردم و بالاخره در ۲۰۲۳ به کشور ژاپن اعزام شدم و رؤیای چندین سال تلاش و سختی محقق شد. بعد از اتمام مسابقات یک بازی با کشور ژاپن بردم؛ ولی بازی دوم را به حریف ۱۰ کیلویی تایوانی واگذار کردم. در این دوره اولین بانو از ایران بودم که در سبک کیوکوشین در کشور ژاپن بازی برد داشتم. خوشبختانه مجدد در سال ۲۰۲۴ از کشور ژاپن به مسابقات جهانی اوپن دعوت





اکرم کیانی

# کسب و کار پر رونق ۹۰ نفری در نساجی

امیر الهی دوست، کارآفرین نازوانی، از دلایل موفقیتش در حرفه نساجی می‌گوید

قبول می‌شوند و تحصیل می‌کنند. زمینه قبلی، یعنی اینکه خویشاوندان آن‌ها در این رشته فعالیت داشتند و کارخانه یا کارگاهی دارند که در این رشته مشغول به کار هستند. حدود ۲۰ درصد افراد به این طریق وارد تحصیل در این رشته می‌شوند تا بعد از آن بتوانند به فعالیتشان به شکل بهتری ادامه دهند. او تصریح می‌کند: «عده‌ای هم در اولویت انتخاب رشته کنکور، این رشته را انتخاب می‌کنند و مورد پذیرش دانشگاه قرار می‌گیرند. این گروه از افراد احتمال دارد اولویت اولشان قبولی در رشته‌های دیگری بوده و بعد در این رشته قبول شده‌اند و معمولاً انگیزه خودشان را برای درس خواندن از دست می‌دهند. به نظر هر کسی باید نقش و راه خود را در زندگی پیدا کند؛ در این صورت به حرفه خود می‌تواند اهمیت دهد و برای موفقیت بیشتر تلاش کند.»

## کارآفرینی و فعالیت گسترده در حرفه نساجی

کارآفرین موفق در حرفه نساجی عنوان می‌کند: «بنده در حوزه کارآفرینی در شغل نساجی فعالیت گسترده‌ای دارم. در سالیان متوالی توانستیم یک مجموعه کسب و کار سنتی کوچک در گذشته را در شرایط فعلی به کسب و کار حدود ۹۰ نفری تبدیل کنیم. این روند در یک شب و دو شب اتفاق نیفتاده است. با توجه به اینکه نساجی شغلی است که این تصور زود هنگام را نمی‌توان درباره آن داشت، با لطف خداوند در حوزه لوازم خیاطی، دوخت و طراحی، برند شناخته شده‌ای محسوب می‌شود و بر این باوریم که در این حرفه اگر به‌روز و با تکنولوژی کار کنیم، می‌توانیم موفق‌تر عمل کنیم.»

الهی دوست خاطرنشان می‌کند: «در شرایط فعلی می‌بینیم که بسیاری از مجموعه‌ها و سازمان‌ها در شهر اصفهان در حوزه هوش مصنوعی وارد نشدند و فروشگاه ما در زمینه تولیدات نساجی در حوزه هوش مصنوعی هم وارد شده و در این زمینه‌ها فعالیت داریم. با فعالیت‌ها و کارهایی که داشته‌ایم، به نظر عملکردمان در این حوزه و کارآفرینی چشمگیر بوده است. او درباره ویژگی‌ها و مهارت‌های لازم برای یک کارآفرین موفق می‌گوید: «برای یک کارآفرین موفق در حرفه نساجی داشتن استعداد، علاقه، تلاش و پشتکار زیاد در این حرفه بسیار مهم است. در مرحله بعدی، یک انتخاب خوب و صحیح برای مسیری که می‌خواهد ادامه دهد، ضرورت دارد تا بتواند در این راه، پیشرفت و رشد خوبی کند و در نهایت، عملکرد موفقی داشته باشد. به نظر، اگر قرار باشد رشد و پیشرفتی برای محله، شهر و کشور اتفاق بیفتد، هر کسی باید این باور را داشته باشد که هر کاری انجام می‌دهد، مهم‌ترین کار دنیا است.»



## زمینه اصلی فعالیت‌ها در حوزه لوازم مکمل پوشاک و لوازم دوخت

او عنوان می‌کند: «زمینه اصلی فعالیت ما در حوزه لوازم مکمل پوشاک و لوازم دوخت است؛ ولی دایره فعالیت محصولات این فروشگاه، شامل ۱۵ هزار نوع کالایی است که در سایت گردش داریم و محدوده آن بسیار وسیع شده و در حال حاضر به‌عنوان پربارترین اپلیکیشن در کل کشور در حال فعالیت است.» کارآفرین موفق در حرفه نساجی اظهار می‌کند: «بنده از گذشته معتقد بودم که انسان هر جایی و در هر رشته‌ای وارد تحصیل می‌شود، باید برای موفقیت فراوان در آن رشته تلاش زیادی بکند. خانواده در موفقیت بسیار مؤثر بودند و شرایط درس خواندنم را فراهم می‌کردند. دکتر بیگی از دوستانم بود که قبل از بنده وارد دانشگاه شد و چند سالی هم از من بزرگ‌تر بود. او در حال حاضر یکی از پزشکان خوب و مطرح اصفهان است و برای ادامه تحصیل مشوق بنده بود. به نظر گفت‌وگوهای روی فکر بسیار تأثیرگذار بود.» او می‌افزاید: «فردی که بخواهد در این رشته موفق شود، باید بداند در حال حاضر با فضاهایی مانند هوش مصنوعی، اینترنت و فضای مجازی به‌طور یقین محتوا برای همه افراد آماده است. به نظر بنده جوهره اصلی در موفقیت افراد در حرفه‌شان در شرایط فعلی، همان تلاش و پشتکار زیاد است و امروزه می‌بینیم که بسیاری از افراد می‌خواهند با یک اتفاق کوچک به نقطه بالایی در زندگی برسند.»

الهی دوست به جوانان علاقه‌مند به تحصیل در رشته نساجی توصیه می‌کند: «جوانانی که علاقه‌مند به تحصیل در رشته نساجی هستند، باید بدانند در بعضی از رشته‌ها مانند رشته نساجی یا یک زمینه قبلی وجود دارد یا به شکل اتفاقی افراد در این رشته در دانشگاه

شدم. به ادامه تحصیل در این رشته مشغول بودم و هم‌زمان رشته کامپیوتر در دانشگاه آزاد هم پذیرفته شدم؛ اما دوست داشتم به دانشگاه دولتی بروم و ادامه تحصیل دهم.» کارآفرین موفق در حرفه نساجی تصریح می‌کند: «پدر بنده از ۱۳۶۰ به بعد ساکن محله نازوان بوده و بنده هم در این محله بزرگ شدم. شغل پدرم در حوزه لوازم دوخت و پارچه بود. پیرو همین اتفاق، بنده هم وارد همین حوزه شدم تا به تحقیقات بیشتر در این زمینه پردازم و در این حوزه، تولیداتی هم داشتیم. از ۱۳۷۸ و روز اول که برای تحصیل وارد دانشگاه شده بودم، کنار پدرم سر کار می‌رفتم و در حرفه نساجی مشغول فعالیت بودم. در دوران دانشگاه و تحصیل هم به خوبی درس خواندم و رتبه مدرک کارشناسی ارشد بنده با معدل بالایی بوده است.»

او خاطرنشان می‌کند: «هنگامی که بنده وارد شغل پدرم شدم، به یاد دارم به دلیل اینکه حرفه ایشان شغل سنتی بازار بود، در مغازه کوچکی با چند نفر شاگرد مشغول فعالیت بودند؛ اما در طول این سال‌ها که بنده وارد این شغل شدم، گسترش بیشتری پیدا کرده و به نوعی، کارآفرینی در این رشته اتفاق افتاده است و قریب به ۹۰ نفر در این شغل مشغول فعالیت هستند.»

الهی دوست اضافه می‌کند: «حوزه فعالیت‌ها هم به غیر از کارهای عادی و معمول که قبلاً انجام می‌دادیم، در این سال‌ها پیشرفت زیادی کرده است و تقریباً اولین فروشگاه اینترنتی این حوزه در کشور هستیم و در ۱۳۸۴ اولین وبسایت را در این شغل طراحی کردیم. فروش اینترنتی در این زمینه را در کل کشور داریم و فروشگاه ما در نزدیک میدان امام در حال فعالیت است. درحقیقت تخصص ما در حوزه فروش غیرحضور و فروش اینترنتی به سراسر کشور در اپلیکیشن و وبسایت است.»

کارآفرینی فرایند ایجاد یک کسب و کار جدید با ایده‌های نوآورانه، پذیرش ریسک و تلاش برای خلق ارزش و اشتغال است. کارآفرینی در حرفه نساجی، شامل تأسیس واحد تولیدی، ایجاد برند پوشاک یا منسوجات خاص و ارائه خدمات تخصصی در این صنعت است که نیازمند دانش فنی، سرمایه‌گذاری، درک از بازار و مدیریت زنجیره تأمین است. مهندسان نساجی می‌توانند با شناسایی نیازهای بازار و نوآوری در فرایندهای تولید، محصولاتی با کیفیت و کاربردهای جدید تولید کرده و به این ترتیب فرصت‌های کارآفرینانه ایجاد کنند.

امیر الهی دوست متولد ۱۳۶۰ فارغ‌التحصیل رشته مهندسی نساجی از دانشگاه صنعتی اصفهان و از اهالی نازوان و بزرگ‌شده این محله است. او مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مهندسی نساجی را از دانشگاه صنعتی اصفهان اخذ کرده است. بعد از تحصیل در رشته نساجی، یک دوره «ام‌بی‌ای» هم گذرانده و علاقه زیادی به حوزه آ‌تی‌تی داشته و در این حوزه نیز بسیار مطالعه انجام داده است.

## دلایل ورود به رشته نساجی در دانشگاه

او درباره دلایل ورودش به رشته نساجی در دانشگاه به «هم‌محله» می‌گوید: «در دهه ۶۰ انتخاب رشته‌های تحصیلی، انتخاب‌های خوبی نبود و به‌طور قاطع نمی‌توانیم بگوییم افراد با آگاهی وارد رشته‌های تحصیلی می‌شدند؛ به دلیل اینکه کنکور در آن سال‌ها بسیار نقش کلیدی و چشمگیر داشت. یادم می‌آید بنده در آن دوران بسیار دوست داشتم در رشته کامپیوتر تحصیل کنم و گزینه بعدی بنده رشته نساجی بود که مرتبط با شغل پدرم بود که این رشته را قبول شده و وارد دانشگاه



اکرم گیانی

# ۳۲ سال آموزش موسیقی در ناژوان

گفت‌وگو با علی دهقانی ناژوانی، هنرمند موسیقی

موسیقی هنری است که با ترکیب صداها و ریتم‌ها، احساسات و عواطف مختلف را در انسان برمی‌انگیزد. این هنر دارای ظرافت‌های خاصی است که آن را از سایر هنرها متمایز می‌کند. هرکدام از عناصر هنر موسیقی به تنهایی و در کنار یکدیگر، تأثیر عمیقی بر شنونده می‌گذارند و می‌توانند حس‌های مختلفی را در او ایجاد کنند. علی دهقانی ناژوانی متولد ۱۳۵۳ هنرمند رشته هنری موسیقی و اهالی و متولد محله ناژوان است و از کودکی در این محله بزرگ شده و مدرک تحصیلی و کارشناسی موسیقی دارد. این هنرمند ۳۲ سالی می‌شود که در هنر موسیقی مشغول فعالیت است و توانسته این هنر اصیل ایرانی را به شاگردان زیادی با فنون زیبا بیاموزد.

## موسیقی و ظرافت‌های این هنر اصیل ایرانی

او درباره هنر موسیقی و ظرافت‌های این هنر اصیل ایرانی به «هم‌محله» می‌گوید: «هنر موسیقی سرآمد تمام هنرهاست. کارشناس ارشد رشته مکانیک هستم و دکتری مدیریت هم دارم؛ در کنار این مدارک تحصیلی، در رشته کارشناسی موسیقی هم تحصیل کردم. به نظر من باید هنرجویان علاقه‌مند به رشته موسیقی بدانند که فرد می‌تواند سطح تحصیلات بالایی داشته باشد و در کنار آن، به هنر موسیقی هم بپردازد و این کار را ادامه دهد. هنر موسیقی برای روح‌وروان افراد بسیار عالی است. به ۳۲ سال آموزش موسیقی در محله ناژوان بسیار می‌بالم و افتخار می‌کنم که هنر موسیقی را به‌طور جدی ادامه دادم.»

هنرمند حرفه موسیقی تصریح می‌کند: «در محله ناژوان تلاش کردم در طول این سال‌ها این هنر را به علاقه‌مندان و جوانان آموزش دهم. تمام هزینه‌ها و شهریه‌هایی که از مبلغ ۱۲ هزار تومان تا یک میلیون به بالا در طول این سال‌ها از هنرجویان علاقه‌مند به یادگیری هنر موسیقی دریافت کردم، با همکاری بسیج محله، سبد کالای غذایی برای نیازمندان تهیه کردم.» او تأکید می‌کند: «از حدود ۲۰ سالگی وارد حرفه موسیقی شدم و حدود پنج شاخه هنر موسیقی را می‌نوازم و تار و سه‌تار را به شکل تخصصی کار می‌کنم. در برنامه‌هایی در قالب کنسرت‌ها که از بنده دعوت شود، برای نواختن سازها و موسیقی‌ها حضور دارم و به شکل گروهی یا به تنهایی این هنر ظریف و لطیف را برای علاقه‌مندان اجرا می‌کنم.» دهقانی عنوان می‌کند: «در گذشته مشوق خاصی برای ورود، آموزش و ادامه کار در این رشته هنری نداشتم و افراد و خانواده‌های مذهبی هنگامی که اسم موسیقی و ورود به این هنر پیش می‌آمد، در مقابل فرزندان جبهه می‌گرفتند. در حال حاضر این هنر در بین مردم جاافتاده و فعالیت هنری در رشته موسیقی بین خانواده‌ها فرهنگ‌سازی شده است.»



## تلفیق کار عملی رشته موسیقی با کار آکادمیک

او می‌افزاید: «در این سه دهه از زندگی‌ام تلاش کردم در این هنر به‌طور جدی فعالیت کنم و سعی داشتم این رشته هنری را به‌صورت آکادمیک ادامه دهم. بعد از گذشت سال‌ها وارد رشته تحصیلی موسیقی شدم تا در کنار کار عملی رشته موسیقی، تحصیلات آکادمیک هم داشته باشم و به تحصیل این رشته در دانشگاه پرداختم. استادان باتجربه‌ای در هنر موسیقی مشوق بنده بودند. استاد سعید رضوانی و استاد سیاره در اصفهان و استاد هوشنگ ذبیحی، استاد ساکت و آقای مهرانی از افرادی بودند که از آن‌ها بسیار آموختم.» هنرمند رشته موسیقی درباره سختی‌ها و دغدغه‌های یادگیری هنر موسیقی برای افراد علاقه‌مند به یادگیری این هنر ظریف می‌گوید: «هنر موسیقی درگیری و تعامل محض بین دست، ذهن و احساسات انسان است؛ به همین علت کار برای هنرمند بسیار سخت و دشوار می‌شود؛ یعنی اگر کسی دست‌های خودش را به‌کار بیندازد کارگر است و در صورتی که ذهن و فکرش را هم به کار بیندازد، کاسب محسوب می‌شود و اگر دست، فکر و احساس را با همدیگر درگیر کند، انسان هنرمند محسوب می‌شود. سختی‌های هنر موسیقی به این دلیل است

انسان‌سازی کند، بگذار هنر بمیرد؛ یعنی هنر در درجه اول روح انسان را تلطیف می‌کند. بنده ۲۰ سال قبل به این نتیجه رسیدم که در این رشته هنری هر میزان درآمد به‌دست آوردم، برای نیازمندان و امور خیر خرج کنم. به‌نظرم پرداختن به هنر روح و روان انسان را بسیار لطیف می‌کند و هنرمند را در خصوص مسائل پیرامون حساس‌تر کرده و اگر هنرمند فقر و مشکلات هموعان خودش را ببیند، به‌راحتی از کنار آن‌ها عبور نمی‌کند.» او تصریح می‌کند: «در دورانی که فضای مجازی به‌سمت نوجوانان و جوانان هجوم می‌آورد و وقت آن‌ها را در شبانه‌روز می‌گیرد، در این شرایط، بنده بسیار خرسندم که می‌توانم با آموختن هنر موسیقی به بیش از ۱۶۰ نفر از شاگردانم در کلاس‌های آموزشی، این هنر ظریف و نواختن تار و سه‌تار را به آن‌ها انتقال دهم؛ همچنین درباره مسائل تاریخی، ادبی و روان‌شناسی با شاگردانم در کلاس‌های آموزشی صحبت کرده و در این زمینه مطالعه می‌کنیم.»

هنرمند رشته موسیقی عنوان می‌کند: «به‌نظرم هنر انسان‌ها را باوجود داشتن عواطف حساس و دوست‌داشتنی، اجتماعی هم می‌کند و می‌تواند خدمات بسیار زیادی را به افراد پیرامون خود ارائه دهد؛ یعنی فردی که به شکل حرفه‌ای در هنر کار کند، به‌مرورزمان این مهارت‌ها را کسب می‌کند و در جامعه هنرمندی تأثیرگذار می‌شود. در روزهای گذشته تشییع‌جنازه هنرمند نگارگر بزرگ استاد فرشچیان را در اصفهان داشتیم و به‌وضوح دیدیم که افراد جامعه از هر قشری در این مراسم حضور داشتند. دیدن این صحنه بسیار باشکوه بود و حضور این میزان جمعیت در این مراسم نشان داد که هنر زبان مشترک بین همه انسان‌ها در اجتماع با هر نوع فرهنگ، سیاست و زبان است.»

او به جوانان علاقه‌مند به یادگیری هنر موسیقی توصیه می‌کند: «جوانان بهتر است به‌طور قطعی یادگیری هنر موسیقی را در کارهای روزانه‌شان قرار دهند؛ به دلیل اینکه از جنبه پزشکی، پرداختن به هنر ظریف موسیقی می‌تواند از بروز بیماری آلزایمر جلوگیری کرده و به ذهن بیدار و زنده افراد کمک می‌کند و اجازه نمی‌دهد ذهن آن‌ها به سمت فرسایش پیش برود. نکته دیگر اینکه هنر موسیقی مثل کودک می‌ماند و زمانی که وارد زندگی افراد می‌شود، به‌این‌نکته پی می‌برند که قبلاً چقدر جای هنر موسیقی در زندگی آن‌ها خالی بوده است. به جوانان توصیه می‌کنم اگر به سمت یادگیری هنر موسیقی رفتند، بدانند که تمام وقت‌های بطالت و همنشینیهایی که با برخی از افراد دارند، بی‌ثمر است و از بین می‌رود و فرد هنرمند سعی می‌کند از وقت خودش به‌نحو مناسب استفاده کرده و به‌تمرین مداوم و یادگیری بیشتر هنر ظریف موسیقی بپردازد و استعدادش را در این زمینه شکوفا کند.»

که هنرمند بدون استثنا و روزانه به تمرین مستمر نیاز دارد؛ حتی اگر هنرمند سن بالایی هم داشته باشد، به تمرین روزانه احتیاج دارد و با داشتن تمرین‌های مستمر اتفاق‌های خوبی برای هنرمند به‌وجود می‌آید.» او خاطرنشان می‌کند: «علاوه‌براین هنرجویان باید بدانند که رشته موسیقی علم بسیار دشواری است و مادر آن علم ریاضی و فیزیک است که انتهای ندارد. بنده قریب به ۲۲ سال می‌شود که در این هنر به‌طور پیوسته تمرین می‌کنم و برای یادگیری بیشتر، پشتکار دارم. موفق‌شدن در این حرفه به استعداد و علاقه هنرمند نیاز دارد. در زمان‌های گذشته در نظر عامه مردم پرداختن به هنر موسیقی جایگاه زیبایی نداشت و به همین دلیل پرداختن به این حرفه و کارکردن در این رشته و هنر اصیل ایرانی، سختی‌ها را برای هنرمند حرفه موسیقی مضعف می‌کرد. در حال حاضر می‌بینیم که بسیاری از افراد جامعه از هنر موسیقی و پرداختن به این حرفه استقبال خوبی می‌کنند و به نوعی فرهنگ‌سازی شده است.»

## ویژگی‌ها و مهارت‌های یک هنرمند موسیقی‌دان حرفه‌ای

دهقانی درباره ویژگی‌ها و مهارت‌های یک هنرمند موسیقی حرفه‌ای عنوان می‌کند: «همیشه می‌گویند: اگر هنر نتواند



مونا زاحمدی

# ناژوان امن و آرام و عالی است

گفت و گو با صغری حسنی اردکانی، قهرمان کوهنوردی جهان که ساکن ناژوان است



صغری حسنی اردکانی، متولد ۱۳۴۱ در شهر سپیدان استان فارس است. او فاتح ۱۶ قله برون مرزی و اغلب قله‌های ایران بوده و همچنین دارنده مدال طلای مسابقات تنیس روی میز کشور است.

## صعود بانوی ایرانی به قله‌های معروف

### برون مرزی

او که اولین بانوی ایرانی ۶۳ ساله است که پرچم ایران را بر بام هشت هزار و ۱۶۳ متری ماناسلو به اهتزاز درآورده، گفت: تا به حال ۱۹ بار به قله دماوند، هشت مرتبه به قله تفتان، شش مرتبه به سیلان، سه مرتبه به علم‌کوه و چهار مرتبه به آزادکوه و خط‌الرأس دنا صعود کرده‌ام.

حسنی در خصوص صعودهای برون مرزی خود اذعان کرد: در سال ۸۹ به آزارات، سال ۹۰ به مراپیک هیمالیا، سال ۹۲ به ارجیس ترکیه، سال ۹۴ به کلیمانجارو بام آفریقا، سال ۹۶ البروس روسیه بام اروپا، سال ۱۴۰۱ به لنین، سال ۱۴۰۲ به ماناسلو و طی سال‌های مختلف چهار مرتبه به کازبگ گرجستان و چندین مرتبه به اراگاتس ارمنستان صعود کرده‌ام و در هفته آینده نیز به فوجی ژاپن صعود خواهیم کرد.

او که شش سال متوالی نایب‌رئیس هیئت کوهنوردی استان اصفهان و در حال حاضر نایب‌رئیس هیئت کوهنوردی شهر جدید بهارستان است، عنوان کرد: من مؤسس و مربی باشگاه و شرکت کوهنوردی رادمان پلاست و همچنین مربی باشگاه تنیس روی میز هستم و از سه سالگی به ورزش علاقه‌مند بودم و در کنار دو ورزش حرفه‌ای کوهنوردی و تنیس، به صورت مستمر به بدنسازی، دو و دوچرخه‌سواری نیز می‌پردازم.

## کوهنوردی باعث استقامت جسمی و

### روحی می‌شود

این بانوی کوهنورد با بیان اینکه کوه باعث نشاط، صبور، استواری و مقاومت من در برابر مشکلات زندگی شده است، افزود: من ۲۵ سال است که به بیماری دیابت مبتلا هستم؛ اما با ورزش مداوم توانسته‌ام تا اندازه زیادی بر آن غلبه کنم و به راحتی به زندگی خود ادامه دهم.

حسنی با اشاره به اینکه ۱۶ دوره حرفه‌ای کوه‌پیمایی را پشت سر گذاشته است تا بتواند مربی باشد، گفت: برای حرفه‌ای شدن باید زحمات زیادی را به جان بخرید و علاوه بر آمادگی جسمانی قوی از تجهیزات مطمئن و مخصوص استفاده کنید؛ وگرنه احتمال آسیب دیدن در هنگام صعود بسیار زیاد است.

او با تأکید بر اینکه همه کوهنوردان باید حتماً یک ورزش هوازی مانند شنا یا دوچرخه‌سواری را به صورت مستمر انجام دهند، اذعان کرد: ان شاء الله تا آخر هفته عازم ژاپن برای صعود به قله فوجی هستم و امیدوارم مثل همیشه بتوانم لحظه ناب رسیدن به قله را تجربه کرده و خدا را شکر کنم.

## ورزش؛ راهی برای تخلیه تنش‌های

### روزانه

این قهرمان کوه‌پیمایی بیان کرد: از آنجاکه سپیدان فارس منطقه‌ای کوهستانی است، من با روحیه کوهنوردی و علاقه به کوهستان به دنیا آمدم و بزرگ شدم و از همان کودکی این ورزش را شروع کردم و در کنار آن تنیس روی میز را یاد گرفتم. به یاد دارم که به سختی بدتم را می‌کشیدم تا به میز برسیم و راکت در دست بگیرم.

حسنی با تأکید بر اینکه ورزش برای هر انسانی از لحاظ روحی و جسمی واجب است، افزود: اگر فردی به هیچ یک از ورزش‌ها وارد نشود و حتی یک پیاده‌روی روزانه و مستمر را هم نداشته باشد، قطعاً دچار مشکلات جسمی و روانی می‌شود؛ چراکه راهی برای تخلیه تنش‌ها و فشارهای روزانه جز ورزش وجود ندارد.

او که کوهنوردی حرفه‌ای را پس از بزرگ کردن دو پسر خود و ازدواج آن‌ها و مستقل شدنشان شروع کرده است، لحظه‌های صعود را بهترین لحظه‌های زندگی خود می‌داند. حسنی

گفت: صعود به بلندترین قله‌های دنیا برای من هیچ سختی ندارد و هر ثانیه‌اش برایم طعم شیرینی و لذت دارد و خدا را هزاران بار برای تجربه کردن چنین لحظه‌های باشکوه و زیبایی شکر می‌کنم.

## ناژوان؛ محله‌ای امن و آرام برای ورزشکاران

این مربی تنیس روی میز که ۲۶ سال است در این ورزش به صورت کامل حرفه‌ای فعالیت می‌کند، اذعان کرد: همیشه در همه مسابقات تنیس روی میز، به جز یک بار رتبه اول بودم و مدال طلا دارم و این ورزش در کنار کوهنوردی برای من بسیار جذاب و دوست‌داشتنی است و سعی می‌کنم آن را به بهترین روش به علاقه‌مندان آن آموزش دهم.

این بانوی کوهنورد که ساکن محله ناژوان است، در این خصوص گفت: ناژوان محله‌ای دنج، امن و آرام با آب‌وهوایی عالی است. برای ورزشکاران محیط بسیار خوبی دارد و به راحتی می‌توان در آن پیاده‌روی یا دوچرخه‌سواری کرد و ساکنان

این محله اغلب مردمانی آرام و نجیب هستند.

حسنی ادامه داد: یکی از مشکلاتی که به چشم می‌خورد، تجمع زیاد تاکسی‌ها از خروجی ناژوان به ورودی خیابان سهروردی است. رانندگان با سروصدای زیاد و برای جلب مسافر در آنجا جمع می‌شوند و احساس آرامش را از هر عابری سلب می‌کنند. بارها برای حل این مشکل به مسئولان امر اعتراض کرده‌ایم؛ اما متأسفانه هنوز رفع نشده است.

## سگ‌گردانی در مسیر پیاده‌روی ناژوان

او مهم‌ترین مشکل موجود در فضای زیبا و آرام ناژوان را سگ‌گردانی برخی از شهروندان برشمرد و عنوان کرد: با وجود سگ‌ها و حرکت آن‌ها در مسیر نمی‌توان به راحتی به ورزش و پیاده‌روی پرداخت.

بانوی قهرمان کوهنوردی، نبودن فرهنگ‌سرا در محله ناژوان را یک کمبود فرهنگی برای محله دانست و افزود: اهالی این محل برای ثبت‌نام در کلاس‌های فرهنگ‌سرا باید تا هتل پل بروند و محله ما برای خودش فرهنگ‌سرای مستقل ندارد.

حسنی اظهار کرد: در محله ناژوان ایستگاه‌های متعدد ورزشی داریم؛ اما سالن ورزشی وجود ندارد که در آن، انواع ورزش‌های سالنی به علاقه‌مندان رشته‌های مختلف ورزشی ارائه شود.

او در پایان ضمن ابراز امیدواری برای پیشرفت همه شاخه‌های ورزشی در کشورمان و ورود ورزشکاران به صحنه‌های مهم بین‌المللی گفت: ورود به هر رشته ورزشی هم و پشتکار می‌خواهد و لازم است هر فردی بنابر علاقه و امکانات خود وارد یک رشته شود و آن را به صورت مستمر و جدی ادامه دهد.





مهناز احمدی

# ناژوان می تواند قطب گردشگری شود

## گفت وگو با حسن مولائی، مدیرعامل اولین و بزرگترین شرکت تولیدکننده گاز بیهوشی کشور



انتخاب کرده است، اظهار کرد: با عنایت به اینکه این محله به عنوان ریه اصفهان نقش بسزایی در تصفیه هوای شهر دارد، باید نظارت‌های بیشتری برای جلوگیری از تغییر کاربری زمین و باغ‌ها انجام شود و حفظ و توسعه فضای سبز در این محله مانند گذشته در دستورکار شهرداری منطقه قرار گیرد.

مولائی مشکلات ترافیکی و کمبود پارکینگ برای خودروهای بازدیدکنندگان از منطقه گردشگری ناژوان را یکی از مهم‌ترین مشکلات منطقه دانست و گفت: وجود ترافیک و مشکلات عبور و مرور برای اهالی ناژوان و همچنین بازدیدکنندگان این محله ناراحت‌کننده است و باید توسط مسئولان امر چاره‌ای جدی و اساسی برای آن اندیشیده شود.

او مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی را یکی دیگر از کاستی‌های منطقه برشمرد و بیان کرد: در چنین منطقه‌ای که یکی از قطب‌های گردشگری شهر اصفهان به‌شمار می‌رود، لازم است بهداشت کامل بر محیط حکمفرما باشد و شاهد وجود زباله و دیگر بی‌نظمی‌ها نباشیم؛ همچنین مشاغل مزاحم برچیده و سامان‌دهی شود تا محیطی تمیز و زیبا پیش چشم گردشگران این پارک جنگلی زیبا گسترده شود.

صادرکننده نمونه کشور در پایان صحبت‌های خود تأکید کرد: منطقه ناژوان با توجه به ظرفیت‌های موجود می‌تواند به‌صورت یک قطب مهم گردشگری تفریحی و طبیعت در شهر اصفهان باشد و با جذب سرمایه بخش خصوصی، گردشگری این منطقه توسعه یابد و جزو جاذبه‌های گردشگری و جذب توریست در سطح کشور معرفی شود.

عضو اتاق بازرگانی صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی استان اصفهان با اشاره به اینکه یکی از اقدام‌ها و برنامه‌های مهم هیئت مدیره شرکت، رسیدگی به خانواده‌های بدون سرپرست از طریق انجمن مددکاری امام‌زمان (عج) است، عنوان کرد: یکی دیگر از فعالیت‌های مؤثر این شرکت در نهضت ساخت مدرسه در کشور است که تاکنون در برنامه‌های ساخت مدارس متعددی در گوشه و کنار کشور عزیزمان سهمیم بوده‌ایم.

### ناژوان؛ ریه شهر اصفهان

مولائی افزود: همچنین این شرکت در رسیدگی به معیشت کارکنان و خانواده ایشان همیشه کوشا بوده و توانسته است رضایت کارکنان را جلب کند و تا حد امکان در امور مختلف یاری‌رسان ایشان باشد. مدیرعامل اولین و بزرگترین شرکت تولیدکننده گاز بیهوشی کشور که یک دهه است، محله ناژوان را به علت دارا بودن آب‌وهوای پاک‌تر نسبت به دیگر نقاط شهر، برای زندگی

را به‌عنوان عضو کوچکی از جامعه تولیدکننده کشور به کار بگیریم تا چرخ تولید و صنعت از حرکت باز ایستد.

### اولین شرکت تولیدکننده گاز بیهوشی کشور در اصفهان

مولائی با بیان اینکه شرکت ما، اولین و بزرگترین شرکت تولیدکننده گاز بیهوشی نیتروس اکساید در خاورمیانه و شمال آفریقا است، ادامه داد: این شرکت در ۱۳۶۱ با موضوع تولید و توزیع گازهای طبی به ثبت رسید و کارشناسان این شرکت موفق به تولید گاز بیهوشی نیتروس اکساید مطابق با استانداردهای جهانی و مورد تأیید آزمایشگاه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور برای اولین بار شدند. او عنوان کرد: در تمام این سال‌ها با وجود مشکلات عدیده هیچ‌گاه وقفه‌ای در تولید گاز بیهوشی نیتروس اکساید وجود نداشته و نخواهد داشت و با تمام توان به ادامه مسیر خواهیم پرداخت.

## با تمام وجودم برای اجراروی صحنه می‌روم گفت‌وگو با احسان باقری، هنرمند جوان محله ناژوان

حتی حاضر نیستند صدای ضبط‌صوت خود را کم کنند و جلوگیری از ورود ایشان هم حکم انتظامی می‌خواهد که ما نمی‌توانیم هیچ اقدامی بکنیم. وظیفه نیروی انتظامی و شهرداری است که فکری به حال مردم مظلوم محله ناژوان بکنند.

باقری کمبود فرهنگ‌سرا در ناژوان را یکی از مشکلات برای نوجوانان دانست و ادامه داد: اگر فرهنگ‌سرای مکانی باشد که نوجوانان بتوانند در رشته‌های مختلف فرهنگی، تفریحی و ورزشی فعالیت کنند و مثل سایر نقاط شهر اصفهان با پرداخت هزینه‌ای اندک آموزش ببینند، قطعاً مسیر آینده روشن‌تری پیش رو خواهند داشت.

او که خادم آستان مقدس قدس رضوی نیز است، عنوان کرد: ما در محله ناژوان کانونی به نام «کانون خدمت رضوی» تشکیل داده‌ایم که در آن کارهای خیر، مانند بسته‌بندی غذا برای نیازمندان، تهیه جهیزیه و کمک‌تحصیل برای افراد مستحق انجام می‌دهیم و در حال حاضر ۱۵۰ پرونده تحت پوشش داریم که به‌طور مستمر به آن‌ها رسیدگی می‌شود.

ناژوان ساکن است، افزود: تغییر چشمگیری که محله ناژوان از زمان کودکی من تاکنون داشته است، تبدیل بسیاری از باغ‌ها و اراضی کشاورزی به زمین‌های مسکونی بوده و اینکه خیلی از افراد به علت آب‌وهوای پاک این منطقه، طی سال‌های اخیر در آن ساکن شده‌اند. او سروصدای بلند ناشی از عبور و مرور افراد و وسایل نقلیه تا پاسی از شب را، مهم‌ترین مشکل برای اهالی منطقه ناژوان برشمرد و اذعان کرد: بارها به کمک بسیج محله در این خصوص به شهرداری منطقه اعتراض کرده‌ایم، اما متأسفانه ترتیب‌اثر داده نشده است و سکنه ناژوان، به‌خصوص در روزهای تعطیل، نمی‌توانند هنگام شب آرامش و استراحت داشته باشند و تا نیمه‌های شب تردد پرسروصدا و موزیک بلند وسایل نقلیه ادامه دارد.

مجری و خواننده جوان اصفهانی، با بیان اینکه آخر ناژوان به بیشه‌های بکر متعدد راه دارد و برخی، از ورودی دسترسی محلی وارد می‌شوند، گفت: متأسفانه برخی افراد به حال همنوعان خود اهمیت نمی‌دهند و علاوه بر اینکه خلاف قانون از کوچه‌های محلی وارد بیشه‌ها می‌شوند،

روز به آن مشغول هستم، خوانندگی و مجری‌گری می‌کنم و امیدوارم در این زمینه پیشرفت چشمگیری داشته‌ام و در خدمت همشهریان عزیزم باشم. او که اجرای پادکست‌های متعدد را نیز در کارنامه کاری خود دارد، ادامه داد: وقتی روی صحنه می‌روم و می‌توانم لبخندی را بر لبان مردم نقش ببندم، از اعماق وجود احساس شمع و شادمانی می‌کنم و همیشه با تمام وجود اجرای صحنه را برعهده می‌گیرم و مردم هم از اجرا و خوانندگی من اظهار خرسندی و رضایت می‌کنند.

کارشناس طراحی شبکه مخابرات در زمینه رشته تحصیلی خود نیز تاکنون اقدام‌های سازنده‌ای در سراسر شهر، به‌خصوص غرب اصفهان، با ارائه طرح‌هایی در خصوص فیبر نوری انجام داده است. او در این باره عنوان کرد: به واسطه اینکه من مجری هستم و شاید بیشتر از دیگر شهروندان بتوانم مقامات مسئول از جمله شهردار را ببینم و صدای مردم و مشکلاتشان را به گوش آن‌ها برسانم، تمام تلاشم را می‌کنم تا بتوانم گامی هرچند کوچک در راستای رفع موانع و مشکلات مردم بردارم. باقری که از دوران طفولیت در محله

احسان باقری متولد ۱۳۶۶، کارشناس طراحی شبکه مخابرات، مجری و خواننده جوان اصفهانی ساکن محله ناژوان است. او از کودکی به هنر علاقه‌مند بود و از سال ۸۵ در کلاس‌های خوانندگی، سلفژ و صداسازی شرکت کرد و پس از اخذ مدرک مربوط، دوره فیلم‌سازی در انجمن سینمای جوانان استان اصفهان را که در مجموعه فرهنگی فرشچیان برگزار می‌شد، به پایان رساند. این هنرمند جوان در این خصوص گفت: اجرای صحنه به‌همراه خوانندگی، علاقه قلبی من بود و طی سال‌های اخیر با گذراندن دوره‌های متعدد به این عرصه وارد شدم و به یاری خداوند توانستم رضایت مخاطبان را جلب کنم و در برنامه‌های متعدد که توسط شهرداری در نقاط مختلف شهر برگزار می‌شود، مجری صحنه باشم؛ البته همیشه مجری‌گری را با چاشنی خوانندگی درهم آمیخته‌ام و اجراهای موفقی داشته‌ام.

باقری ضمن بیان اینکه در حال حاضر در گروه رادیویی طنین بازیگر نمایشنامه‌های رادیویی متفاوت است، اذعان کرد: هنر روح مرا جلا می‌دهد و در کنار کار در شرکت مخابرات که هر



زهرا فندوساری

# ناژوان در مسیر سامان دهی

## کانال دفع آب های سطحی در محدوده ناژوان ایمن سازی شد



محله ناژوان در استان اصفهان و در محدوده مرکزی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از شمال با بلوار میرزا طاهر و بلوار مظاهری؛ از شرق با میدان مارنان، خیابان خیام، بزرگراه شهید خرازی، خیابان شهید مطهری و خیابان صائب؛ از جنوب با بزرگراه شهید حبیب الهی و خیابان باغ فردوس و از غرب با خیابان زاینده رود محدود شده است و با محله های بازوگاه، نصرآباد، مارنان، دستگرد، لبنان، زهران، باغ فردوس، باغ دریاچه، باغ زیار و بیشه حبیب مجاورت دارد.

ناژوان، دهی از دهستان ماریین، بخش سدهی شهرستان اصفهان است که در قدیم آبش از رودخانه زاینده رود و محصولش غلات، پنبه، تنباکو و میوه بوده و مردمش به زراعت مشغول و کرباس بافی صنعت دستی زنان بوده است. ناژوان در غرب اصفهان با بیشه های انبوه از درختان ناژ، کبوده، صنوبر و زبان گنجشک بوده است.

ناژوان کنونی با وسعتی در حدود هزاره ۲۰ هکتار در بخش غربی شهر تنها بقایای فضای سبز متمرکز حاشیه شهر اصفهان بوده که از دیدگاه زیست محیطی اهمیت ویژه ای یافته است. در این گزارش، اقدام های انجام شده از سوی شهرداری منطقه ۹ در ناژوان روایت شده است.

### ایمن سازی کانال دفع آب های سطحی در محدوده ناژوان

کانال دفع آب های سطحی در محدوده ناژوان با دال های بتنی در راستای تأمین ایمنی عبورمورور با هزینه ای بالغ بر ۵۰۰ میلیون تومان پوشیده شد؛ همچنین پروژه رنگ آمیزی پایه ها و کنترل های چراغ های راهنمای سطح شهر و پایه تابلوهای راهنمای مسیر با هزینه ای بالغ بر سه میلیارد ریال اجرا شد تا با رنگ آمیزی این تجهیزات ترافیکی از فرسودگی و زنگ زدگی آن ها جلوگیری شده و درضمن جلوه بهتری به سیمای شهری داده شود. هر مترمربع از تابلوهای راهنمای مسیر که در سطح شهر نصب شده از اهمیت فراوانی در هدایت و راهنمایی رانندگان، به ویژه برای مسافران برخوردار است؛ بنابراین از شهروندان تقاضا می کنیم از وارد آوردن هرگونه خسارت به تجهیزات ترافیکی شهر خودداری کنند.

### بهره برداری از تصفیه خانه ناژوان

تصفیه خانه ناژوان که به منظور تصفیه فاضلاب خام طراحی شده است، تیر امسال بهره برداری شد. با توجه به حجم وسیع فضای سبز شهری و شرایط کم آبی، تدابیر ویژه ای برای بهینه سازی آبیاری این مناطق اندیشیده شده و چندین تصفیه خانه برای تأمین پساب مورد نیاز فضای سبز در حال آماده سازی است.

این تصفیه خانه ظرفیت ۲۰۰ لیتر بر ثانیه دارد؛ همچنین تصفیه خانه ای در محله امید، نزدیک پل شهید آشتیانی با ظرفیت ۱۰۰ لیتر بر ثانیه در دست احداث است که تجهیزات آن در اصفهان آماده شده و به زودی مخازن آن ساخته و نصب

خواهد شد و بهره برداری از این پروژه نیز برای شهریور یا مهر سال جاری برنامه ریزی شده است.

### آزادسازی گلوگاه محله ناژوان

در راستای ارتقای کیفیت زندگی در محله های شهر، شناسایی و آزادسازی گلوگاه های محله های منطقه در دستور کار قرار گرفته است. تملک و توافق یک باب منزل مسکونی دو طبقه و دو باب مغازه تجاری، گلوگاهی در خیابان میرزا طاهر کوچه شهید ریزانه و کوچه افسر که از درخواست های دوره های مختلف مدیریت شهری جهت آسان شدن عبورمورور در محله ناژوان بوده است با هزینه ای بالغ بر ۱۴۰ میلیارد ریال آزادسازی و تخریب شد.

### ناژوان در مسیر سامان دهی

مجوز نوسازی برخی املاک در ناژوان صادر شده و تصمیم های مهمی درباره سامان دهی محله جلالان و محدوده ناژوان در نظر گرفته شده و نگاه شهرداری در این تصمیم ها حفظ اصالت منطقه ناژوان و فضای سبز آن است. در کنار این رویکرد، تلاش خواهد شد ساکنان از وضعیت بلاتکلیف فعلی خارج شوند. این خروج از بلاتکلیفی ممکن است با سیاست گذاری و رویکرد تثبیت وضع موجود در قالب صدور مجوز نوسازی برای برخی املاک یا قرار گرفتن در طرح آزادسازی برای برخی دیگر محقق شود. اکنون وضعیت هر پلاک در محله جلالان مشخص شده است و در صورت مراجعه مالک، پاسخ روشنی برای هر مورد وجود خواهد داشت. بر این اساس، بخشی از مالکان امکان نوسازی طبق ضوابط را خواهند داشت و بخش دیگری از املاک نیز در چهارچوب ضوابط، مشمول طرح آزادسازی می شود.

موقعیت حساس و ارزشمند منطقه ناژوان

ایجاب می کند که دستگاه هایی همچون جهاد کشاورزی، شهرداری، اداره کل راه و شهرسازی، اداره محیط زیست، شرکت آب منطقه ای، شورای اسلامی شهر و استانداری اصفهان در قالب کمیته راهبری و با همفکری، به یک تصمیم مشترک برسند. هر دستگاه باید متناسب با مسئولیتی که دارد و از زاویه دید حوزه کاری خود اظهار نظر کند و در نهایت برآیند این نظرات در قالب ضوابط مصوب و اجرایی خواهد شد.

### حمایت از پروژه های ارتقای خدمات در ناژوان

دکتر علی قاسم زاده، شهردار اصفهان، متذکر شده است از پروژه هایی که در راستای افزایش کیفیت خدمات در ناژوان تعریف و اجرا شود، حمایت خواهیم کرد. این حمایت در چهارچوب حفظ کارکردهای طبیعی منطقه و ارتقای بهره وری زیست محیطی آن صورت خواهد گرفت.

کمیته راهبری ناژوان با حضور دستگاه های مؤثر و مرتبط تشکیل شده است. هدف از تشکیل این کمیته، هماهنگی و هم افزایی در اجرای طرح هایی است که به حفظ و ارتقای کیفیت منطقه ناژوان به عنوان پارک طبیعی و ریه تنفسی شهر اصفهان کمک می کند.

پارک طبیعی ناژوان نقشی کلیدی در بهبود کیفیت هوا از جمله در کاهش ذرات آلاینده، تلطیف هوا و ایجاد آرامش برای شهروندان ایفا می کند؛ بنابراین این منطقه با ارزش زیست محیطی فراوان، تأثیر مستقیمی بر سلامت جسمی و روانی ساکنان شهر دارد. از پروژه هایی که در راستای افزایش کیفیت خدمات در ناژوان تعریف و اجرا شود، حمایت خواهیم کرد. این حمایت در چهارچوب حفظ کارکردهای طبیعی منطقه

و ارتقای بهره وری زیست محیطی آن صورت خواهد گرفت.

### حفظ کارکرد اکولوژیکی ناژوان

در مناطق مسکونی از جمله محله جلالان که در حریم شهر اصفهان بوده، درخواست هایی از سوی مردم برای نوسازی و بازسازی منازل ثبت شده است؛ بنابراین تصمیم هایی بر اساس جلسه های کارشناسی در سطوح مختلف با هدف رفع بلاتکلیفی ساکنان و حفظ کارکرد اکولوژیکی ناژوان تدوین و در ادامه جلسه های مربوط به سامان دهی منطقه ناژوان، بخش دیگری از مصوبات کمیته عالی ناژوان نهایی شد.

این تصمیم ها که بر اساس جلسه های کارشناسی در سطوح مختلف تدوین شده اند با هدف رفع بلاتکلیفی ساکنان و حفظ کارکرد اکولوژیکی ناژوان در نظر گرفته شده است و در مرحله بعد به شورای برنامه ریزی استان برای تصویب نهایی ارسال خواهد شد. در بخش دیگری از جلسه، موضوع ترافیک منطقه ناژوان نیز مطرح و مقرر شد بررسی های کارشناسی بیشتری در این حوزه انجام شود تا در جلسه های آینده مورد تصمیم گیری قرار گیرد.

تصمیم های کمیته راهبری تحقق پذیری طرح ناژوان در چهارچوب قوانین و ضوابط جاری در نظر گرفته می شود. گرچه این کمیته نمی تواند خارج از محدوده حریم شهری تصمیمی مغایر با قوانین در نظر بگیرد، اما می تواند نقش تسهیل کننده در رفع مشکلات مردم ایفا کند. هدف اصلی این کمیته، تبدیل تدریجی مناطق مسکونی موجود در محدوده ناژوان به کاربری فضای سبز و تقویت نقش زیست محیطی و گردشگری این منطقه به عنوان ریه تنفسی شهر اصفهان است.



زهره قندهاری

# تب و تاب ناژوان

## معضل‌های محله ناژوان و اقدام‌های انجام شده از سوی شهرداری

محله ناژوان در استان اصفهان و در محدوده مرکزی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از شمال با بلوار میرزاظاهر و بلوار مظاهری؛ از شرق با میدان مارنجان، خیابان خیام، بزرگراه شهید خرازی، خیابان شهید مطهری و خیابان صائب؛ از جنوب با بزرگراه شهید حبیب‌الهی و خیابان باغ فردوس و از غرب با خیابان زاینده‌رود محدود شده است و با محله‌های بازوگاه، نصرآباد، مارنجان، دستگرد، لنبان، زهران، باغ فردوس، باغ دریاچه، باغ زیار و بیشه حبیب مجاورت دارد. در این محله معضل‌هایی وجود دارد و اقدام‌هایی از سوی شهرداری انجام شده که هر دو در قالب اینفوگرافی روایت شده است.

### اقدام‌های انجام شده در محله ناژوان



### معضل‌های محله ناژوان



مدیر فنی و گرافیک: علیرضا مظاهری  
طراح و صفحه‌آرا: علی نصرآزادانی  
دبیر تحریریه و ویژه‌نامه: زهره سادات کاظمی  
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مهناز احمدی، دلارام قندهاری  
مریم نقیان، زینب دبیری، زهره سادات طالقانی و اکرم کیانی  
ویراستار: عذرا دایانی

صاحب امتیاز: شرکت فرهنگ، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا  
مدیرمسئول: دکتر علی قاسم‌زاده  
مدیرعامل: احسان تیموری سیجانی  
سردبیر: محمد حسین اعتزازیان  
دبیر ویژه‌نامه: محسن حیدری فرد  
عکس: حمید نیکومرام و کوثر رحیمی

